

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شرح دعای پنجم صحیفه سجادیه- امام سجاد(ع)

دعای آن حضرت در مورد خودش و دوستان خود

نویسنده: فاطمه پورشفیغ

کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث

۹۶/۲/۲

تقدیم به روح مطهر معصومین(ع)

وَ كَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِنَفْسِهِ وَ لِأَهْلِ وَ لَابَيْتِهِ

يَا مَنْ لَا تَنْقُضِي عَجَائِبُ عَظَمَتِهِ، صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ اخْجُبْنَا عَنِ الْإِلْحَادِ فِي عَظَمَتِكَ وَ يَا مَنْ لَا تَنْتَهِي مُدَّةُ مُلْكِهِ،

صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ أَعْتِقْ رِقَابَنَا مِنْ نِعْمَتِكَ. وَ يَا مَنْ لَا تَغْنَى خَزَائِنُ رَحْمَتِهِ،

صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ اجْعَلْ لَنَا نَصِيباً فِي رَحْمَتِكَ. وَ يَا مَنْ تَنْقَطِعُ دُونَ رُؤْيِيهِ الْأَبْصَارُ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ أَدِينَا إِلَى قُرْبِكَ وَ يَا مَنْ تَصْغُرُ عِنْدَ خَطَرِهِ الْأَخْطَارُ،

صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ كَرِّمْنَا عَلَيْكَ. وَ يَا مَنْ تَطَهَّرَ عِنْدَهُ بِوَاطِنِ الْأَخْبَارِ، صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ لَا تَفْضَحْنَا لَدَيْكَ. (فراز اول)

اللَّهُمَّ أَغْنِنَا عَنْ هَبَةِ الْوَهَّابِينَ بِهَيْبَتِكَ، وَ اكْفِنَا وَخْشَةَ الْقَاطِعِينَ بِصَلَاتِكَ حَتَّى لَا نَرْغَبَ إِلَى أَحَدٍ مَعَ بَدَلِكَ، وَ لَا نَسْتَوْجِشَ مِنْ أَحَدٍ مَعَ فَضْلِكَ. (فراز دوم)

اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ كِدِّ لَنَا وَ لَا تَكِدْ عَلَيْنَا، وَ امْكُرْ لَنَا وَ لَا تَمْكُرْ بِنَا، وَ ادِلْ لَنَا وَ لَا تُدِلْ مِنَّا. (فراز سوم)

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ قِنَا مِنْكَ، وَ احْفَظْنَا بِكَ، وَ اهْدِنَا إِلَيْكَ، وَ لَا تُبَاعِدْنَا عَنْكَ إِنِّ مَنْ تَعِهَ يَسْلَمُ وَ مَنْ تَهَدِهَ يَظْلَمُ، وَ مَنْ تُقْرِبَهُ إِلَيْكَ يَغْنَمُ. (فراز چهارم)

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ اكْفِنَا حَدَّ نَوَائِبِ الزَّمَانِ، وَ شَرَّ مَصَائِدِ الشَّيْطَانِ، وَ مَرَارَةَ صَوْلَةِ السُّلْطَانِ. (فراز پنجم)

اللَّهُمَّ إِنَّمَا يَكْتَفِي الْمُكْتَفُونَ بِفَضْلِ قُوَّتِكَ، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ اكْفِنَا، وَ إِنَّمَا يُعْطَى الْمُعْطُونَ مِنْ فَضْلِ جَدِّكَ، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ أَعْطِنَا، وَ إِنَّمَا يَهْتَدِي الْمُهْتَدُونَ بِنُورِ وَجْهِكَ، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ اهْدِنَا. (فراز ششم)

اللَّهُمَّ إِنَّكَ مَنْ وَالَيْتَ لَمْ يَضُرَّهُ خِذْلَانُ الْخَادِلِينَ، وَ مَنْ أَعْطَيْتَ لَمْ يَنْقُصْهُ مَنَعُ الْمَانِعِينَ، وَ مَنْ هَدَيْتَ لَمْ يَغْوِهِ إِضْلَالُ الْمُضِلِّينَ فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ امْتِنَعْنَا بِعِزِّكَ مِنْ عِبَادِكَ، وَ أَعْنِنَا عَنْ غَيْرِكَ بِإِرْفَادِكَ، وَ اسْلُكْ بِنَا سَبِيلَ الْحَقِّ بِإِرْشَادِكَ. (فراز هفتم)

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ اجْعَلْ سَلَامَةَ قُلُوبِنَا فِي ذِكْرِ عَظَمَتِكَ، وَ فَرَاغَ أَبْدَانِنَا فِي شُكْرِ نِعْمَتِكَ، وَ انْطِلَاقَ أَلْسِنَتِنَا فِي وَصْفِ مِثَّتِكَ. (فراز هشتم)

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ اجْعَلْنَا مِنْ دُعَاتِكَ الدَّاعِينَ إِلَيْكَ، وَ هِدَاتِكَ الدَّالِّينَ عَلَيْكَ، وَ مِنْ خَاصَّتِكَ الْخَاصِّينَ لَدَيْكَ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ (فراز نهم)

ترجمه:

نیایش آن حضرت درباره‌ی خود و نزدیکانش:

ای آن که شگفتی‌های بزرگی تو را پایانی نیست، بر محمد و خاندانش درود فرست و ما را از گمراهی در شناخت عظمت خود بازدار.

ای آن که مدت فرمانروایی تو بی‌نهایت است، بر محمد و خاندانش درود فرست و ما را از بند انتقام خود رهایی بخش ای آن که گنجینه‌های رحمتت به آخر نرسد، بر محمد و خاندانش درود فرست و ما را از رحمت خود بهره‌ای عطا فرما. ای آن که دیده‌ها همه از دیدنت فرو مانند، بر محمد و خاندانش درود فرست و ما را از به آستان قرب خود نزدیک نما. ای آن که در برابر بزرگی تو هر چیز بزرگ دیگری ناچیز است، بر محمد و خاندانش درود فرست و ما را نزد خود گرامی دار.

ای آن که خبرهای پنهان پیش تو آشکار است، بر محمد و خاندانش درود فرست و ما را نزد خود رسوا مکن. خدایا، ما را به لطف بخشش خود، از بخشش بخشندگان بی‌نیاز گردان، و با پیوند خویش ما را از هراس پیوند گسستن دیگران دور ساز، تا با وجود بخشش تو، از دیگران چشم بخشش نداشته باشیم، و با وجود احسان تو، از تنگ چشمی ایشان به هراس نیابیم.

خدایا، بر محمد و خاندانش درود فرست و کارها را چنان تدبیر کن که به سود ما باشد، نه به زیان ما، و چنان مکر و ترفند نما که به سود ما باشد، نه به زیان ما. ما را به پیروزی رسان و آن را از ما بازستان خدایا بر محمد و خاندانش درود فرست و ما را از خشم خود نگاهدار و در پناه خود بدار و به سوی خود راه نمای و از خود دور مفرمای؛ زیرا هر کس که تو او را در پناه خود آری، به سلامت ماند، و هر کس که تو او را راه بنمایی، دانا شود، و هر کس که تو او را به خویش نزدیک کنی، بهره‌مند گردد.

خدایا بر محمد و خاندانش درود فرست و ما را از ناگواری‌های سخت روزگار و گزند دام‌های شیطان و خشمناکی سلطان کفایت کن.

خدایا، توانگران از نیروی تو توانگری دارند، پس بر محمد و خاندانش درود فرست و خود ما را توانگر ساز. بخشندگان از فراوانی بخشش تو می‌بخشند، پس بر محمد و خاندانش درود فرست و خود به ما بخشش کن. هدایت یافتگان در پرتو نور تو هدایت می‌یابند، پس بر محمد و خاندانش درود فرست و خود ما را هدایت فرما.

خدایا، هر کس که تو یاورش باشی، یاری نکردن دیگران زیانش ندهد، و هر کس که تو عطایش بخشی، تنگ چشمی دیگران از او نکاهد، و هر کس هدایتش به دست تو باشد، فریب گمراهان پای او را نلغزاند.

پس بر محمد و خاندانش درود فرست و ما را به عزت خویش از گزند بندگان در امان دار، و با بخشش خود، از غیر خودت بی‌نیاز گردان، و در پرتو هدایت خویش، ما را به راه حق انداز.

خدایا، بر محمد و خاندانش درود فرست و سلامت دل‌های ما را در یاد کرد بزرگی خود قرار ده، و آسایش بدن‌های ما را در سپاسگزاری نعمت خویش، و گویایی زبان‌های ما را در وصف آنچه به ما داده‌ای.

خدایا، بر محمد و خاندانش درود فرست و ما را از کسانی قرار ده که [مردم را] به سوی تو فرا می‌خوانند، و آنان را به راه تو رهبری می‌کنند، و ما را از ویژه‌ترین بندگان ویژه‌ی درگاه خود گردان، ای مهربان‌ترین مهربانان.

فرازهای دعای پنجم:

فراز اول:

شگفتیهای عالم خلقت

فاصله کفر و ایمان – انتقام الهی

معنای عقاب الهی چیست؟

ذکر صلوات و چگونگی آن و خاصیت آن.

خداشناسی و تقویت آن

تأثیر ایمان به معاد در رفتار

مذمت دنیا طلبی

فراز دوم:

لطف الهی – واگذاری بخود بجای واگذاری خود بخدا

فراز سوم:

مکر الهی و مکر بشر

شناخت مستضعفان- شناخت قائلین به جبر و اختیار و تفویض

فراز چهارم:

غضب خدا – مجازات به خشم آوردن خدا

فراز پنجم:

وظایف یک مسلمان در جهانی که زندگی می کند.

فراز ششم:

فضل چیست و در انسان چه تعریفی دارد- شناخت فاضل و مفضول

فراز هفتم:

کسب خود شناسی و درجات پارسایی

فراز هشتم:

سلامت دل- تعریف ذکر و ذاکر

فراز نهم:

معنای هدایت تکوینی و تشریحی – بدعت‌گذاری در هدایت تشریحی و خطرات آن- خطرات ریب و شک

## يَا مَنْ لَا تَنْقِضِي عَجَائِبُ عَظَمَتِهِ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاحْجُبْنَا عَنِ الْإِلْحَادِ فِي عَظَمَتِكَ

ای آن که شگفتی‌های بزرگی تو را پایانی نیست، بر محمد و خاندانش درود فرست و ما را از گمراهی در شناخت عظمت خود بازدار

شرح فراز اول:

### "سبحان الله عما يصفون الا عباد الله المخلصين"

شناخت عظمت الهی، و تسلیم در برابر عظمت الهی آیا با رؤیت چشمی امکان دارد یا با ادراک و فهم برواقعیت‌های عقلانی میسر است؟

فراز اول:

پاسخ:

ابزار فهمیدن عقل است آنهم عقل محض؛ چرا که بسیاری از حقایق هستی که چاره ای بر تصدیق آن نیست هرگز با چشم سر رؤیت نمی شود و از درک حواس ظاهری خارج است. دیگر اینکه جهان مادی پر از عجایب خلقت در موجودات و نبات و گیاهان و انسان می باشد که با چشم سر رؤیت می گردد. حال وظیفه انسان در برابر عظمت الهی، تسلیم در برابر جهان آفرینش است آفرینشی که در بر شمردن عظمت الهی قابل رؤیت باشد یا ابصار در برابر رؤیت عظمت الهی ناتوان باشد.

کتابخانه های جهان همگی با عقل انسان رابطه دارند و با او سخن می گویند و هرگز چیزی را به چشم و یا گوش ارائه نمی کنند، بلکه جملگی قواعد علمی است قابل دریافت است. و هرگز با چشم نمی توان به آن پی برد. بزرگی و کوچکی، عظمت و کوتاهی موجودات امری نسبی است، بسیاری از چیزها که از نظر بعضی مهم و بزرگ است، چه بسا از نظر ما کوچک و حقیر باشد و هر کس به هر مقدار دارای عظمت و قدرت باشد در برابر بسیاری از حوادث و واقعیات به عجز و ناتوانی می رسد و چاره ای جز تسلیم ندارد، چنان که نسل انسانی در مقابل دستگاه تکوینی عالم غیر از آنکه رابطه ها را شناخته و خود را بر حسب آنان تطبیق دهد، کار دیگری از او ساخته نیست. به هر حال هر که باشد و به هر جا که برسد عاقبت در مقابل ناملازمات چاره ای جز تسلیم خاضعانه، نخواهد داشت.

خداوند متعال وجودی است که در ذات و جمیع صفات و افعال غیر متناهی است و هیچ گونه حد و مرزی را در هیچ گونه از شؤون خود ندارد و بر ماست که پیوسته جناب حق را به صفات غیر متناهی اش بستاییم و تسلیم این قدرت لا متناهی شویم.

### شگفتی ها و عجائب در آفرینش آسمان ها و زمین

آیا شمارش نعمات خداوند ممکن است؟

پاسخ:

و لو ان ما فی الارض من شجرة اقلام و البحر یمده من بعده سبعة ابحر ما نعدت کلمات الله ان الله عزیز حکیم

(اگر همه درختان در زمین قلم شوند و دریا مرکب شود و هفت دریای دیگر به آن دریا متصل گردند تا کلمات خداوند را بنویسند، آب همه دریاها تمام می شود ولی کلمات خداوند به اتمام نمی رسد. به درستی که خداوند توانای حکیم است.)

آری حقیقت همان است که خداوند فرموده است. خداوند کریمی که کرامت و رحمانیت او همه عالم را منور کرده است چرا که انگشت به سمت و سوی هر نعمت و پدیده ای نشانه بگیریم فریاد توحید سر می دهد و مشغول ذکر و تسبیح ذات احدیت است و سر تا پای وجود هر موجودی و اتمهای هر شیء از اشیاء عالم فریادگر شهادت و حضور است و در محضر خداوند سر تسلیم فرود آورده است. او که خود نه در مکان می گنجد و نه در زمان، کلماتش هم نا محدود است و بی نهایت و هر چه به انتهای عالم هستی بنگریم افقی یافت نخواهد شد.

آنچه را که آیه به عنوان تطظیر و تشبیه آورده است، تشبیه معقول به محسوس است تا ذهنهای بشر را متنبه سازد که هرگز کلمات الهی همچون ذات و صفات ذاتش در قالب شمارش نمی گنجد چرا که هر آنچه هست تا بی نهایت، نعمت است و از آنجائی که انسان در نعمات الهی مستغرق است، قدرشناس نعمات نمی تواند باشد.

### **چند نمونه از عجایب خلقت را برای تکمیل معرفت شناسی معرفی نمایید؟**

**درون تخم**، مرغ هایی که از راه تخم گذاری به دنیا می آیند، سه مایع وجود دارد: سفیده، زرده و نطفه. نطفه باعث پیدایش جوجه می شود و زرده خوراک اوست تا بتواند بیست و یک روز ارتزاق کند. مقدار این مایع خوراکی به گونه ای تنظیم شده است که در طی این مدت، جوجه دقیقه ای گرسنه نمی ماند و ذره ای از زرده تخم مرغ نیز باقی نمی ماند. در قسمت انتهای تخم، یک قسمت خالی به چشم می خورد که در آن هوایی برای تنفس جوجه ذخیره شده است. به راستی کدام قدرت است که آن مقدار هوا را درون تخم نهاده است تا جوجه برای ادامه حیات از آن استفاده کند؛ جز قدرت خداوند حکیم -

### **مگس و عجایب خلقت:**

از مگس ماده، چهار بسته و کیسه خارج می شود و در هر بسته سی عدد تخم است که از هر تخم نیز باید مگسی متولد شود. با این حال، بنابر تدبیر خداوندی در خلقت، هم تعداد مگس ها به شدت کنترل می شود و هم طول عمر مگس چندان زیاد نیست.

### **زندگی حیوانات در مراحل پس از تولد:**

زندگی حیوانات در مراحل پس از تولد نیز سراسر آمیخته با نظم و حساب است. برای مثال، گاهی مرغان خانگی منقار خود را در دهان جوجه های نوزاد خویش می نهند و مدتی همچنان بدون حرکت می مانند. بیننده می پندارد که این حیوان کاری بی فایده انجام می دهد، در حالی که این کار او از روی حساب و نقشه مهمی است. در این حالت، مادر به چینه دان جوجه می دمد تا گشاد شود و دانه های بیشتری را در خود جای دهد. بر این اساس، احتمال می رود نوزادانی که به وسیله ماشین های جوجه کشی به عمل می آیند، بر اثر نبود رسیدگی مادرانه، قدرت هضم هر دانه ای را ندارند.

### **آثار عجیب و غریب در ساختمان چشم:**

از دیدگاه روان شناسی، حالت های مختلف چشم، بیماری و تندرستی فرد را باز می گوید. چشم هم درون را می بیند و هم بیرون را، یعنی وقتی با چشم به چیزی نگاه می کنیم، از ظاهرش آگاه می شویم، ولی اگر به چشم کسی نگاه کنیم، از درونش با خبر می شویم. چشم، دوستی و دشمنی را نشان می دهد و بیننده را از نیت شوم یا قصد خیر صاحب آن آگاه می سازد. چشم هم گوینده است و هم شنونده. چشم از رضایت و خشم و نیز از قوت و ضعف خبر می دهد و از آسودگی و دلهره پرده برمی دارد. از امید و ناامیدی می گوید، درستی و نادرستی را روشن می سازد، از راستگویی و دروغگویی و از سیری و گرسنگی فرد حکایت می کند قاضی تیزبین، از چشم متهم نکته های فروانی به دست می آورد و باز پرس، پاسخ بسیاری از پرسش های خود را از چشم متهمان می گیرد و پلیس با کلید چشم، رازهای نهفته در دل مظنون به جرم را می گشاید.

چشم، افزون بر ریزه کاری هایی موجود در ساختمان آن، از نظر آگاه ساختن فرد از درون و برون آدمی نیز کمک کننده است. بیماری ها، خشم، شهوت، دوستی و محبت را می توان از راه چشم فهمید .

### **جریان خون در قلب:**

آن گاه که خون از قلب خارج می شود، همه سلول های بدن از آن تغذیه می کنند و مقدار باقی مانده با رنگی تیره، از رهگذر دیگری به جانب قلب حرکت می کند. تیرگی رنگ آن به این علت است که در راه بازگشت، کثیفی ها، سم ها و گازهای کربنیک را نیز جمع آوری می کند. این خون ها پیش از رسیدن به قلب، در حفره های شش ها ریخته می شوند. شش ها نیز در اندک زمانی با یک فشار و انقباضی و انبساط، خون آلوده را تصفیه و آن را شفاف و خالص می سازند و آن را به قلب می دهند و مواد کثیف و گازهای کربنیک را از مجرای دهان و بینی به وسیله بازدم خارج می کنند و چه شگفت آور است اگر بدانیم، در هر ۲۴ ساعت شش ها حدود ده هزار لیتر خون را تصفیه می کنند و به قلب می رسانند. البته بدن آدمی به طور متوسط بیشتر از پنج یا شش لیتر خون ندارد، ولی بر اثر گردش مداوم و تصفیه پیوسته آن است که در یک شبانه روز کار شش ها به تصفیه ده هزار لیتر خون می رسد .

راستی اگر بنا باشد در جهان کارخانه ای تأسیس شود که عملیات دهان، مری، معده روده، کبد، قلب، شش، کلیه ها و دیگر اعضا را که همه در حجمی بسیار کوچک قرار گرفته اند انجام دهد، به چه مقدار حجم و مساحت نیاز دارد؟

### **نهج البلاغه و شگفتیهای خلقت موجودات :**

#### **حشرات از جمله ملخ:**

از جمله حشره هایی که درباره چگونگی آفرینش آن، در نهج البلاغه سخن به میان آمده، ملخ است:

امیرالمؤمنین علی علیه السلام در خطبه ۱۸۵ نهج البلاغه، انسان ها را به شگفتی های موجود در این حشره توجه می دهد و می فرماید:

و اگر بخواهی درباره ملخ سخن بگویی ” بگو که خداوند برای او دو چشم سرخ رنگ و دو حلقه همچون دو قرص ماه آفریده و گوش پنهان و دهان مرتب و متناسب به او بخشیده است. خداوند برای او حس قوی و دو دندان که با آنها (ساقه و شاخه گیاهان و برگ های درختان را) می چیند و دو داس که با آنها (ساقه ها و برگ های مورد نظر را) می گیرد، قرار داده است. کشاورزان برای زراعت خود، از آنها می ترسند، ولی هرگز قادر بر دفع آنها نیستند . اینها همه در حالی است که تمام پیکر او به اندازه یک انگشت باریک نیست.

#### **خفاش، پرنده شب:**

در خطبه ای از امیرمؤمنان حضرت علی علیه السلام درباره شگفتی های آفرینش خفاش چنین آمده است: «از زیبایی های صنعت پروردگاری و شگفتی های آفرینش او، همان اسرار پیچیده حکیمانه در آفریدن خفاشان است. روشنی روز که همه



چیز را می‌گشاید، چشمانشان را می‌بندد و تاریکی شب که هر چیز را به خواب فرو می‌برد، چشمان آن‌ها را باز می‌کند... روشنی آفتاب، خفایش را از رفتن در تراکم نورهای تابنده اش باز می‌دارد و در خلوتگاه‌های تاریک پنهان می‌سازد؛ که خفایش از حرکت در نور درخشان ناتوان است. پس او در روز پلک‌ها را بر سیاهی دیده‌ها اندازد و شب را چونان چراغی برمی‌گزیند که در پرتو تاریکی آن، به شکار بپردازد. (خطبه ۱۰۵ - نهج البلاغه)

### **آفرینش مورچه:**

امیرمؤمنان علی علیه السلام در خطبه‌ای درباره شگفتی‌های آفرینش مورچه چنین می‌فرماید: «به مورچه و کوچکی جثه آن بنگرید، که چگونه لطافت خلقت او با چشم و اندیشه انسان درک نمی‌شود. نگاه کنید چگونه روی زمین راه می‌رود و برای به دست آوردن روزی خود تلاش می‌کند. او دانه‌ها را به لانه خود منتقل می‌سازد و در جایگاه مخصوص نگه می‌دارد. در فصل گرما برای زمستان تلاش کرده و به هنگام درون رفتن، بیرون آمدن را فراموش نمی‌کند. روزی مورچه تضمین‌گردیده و غذاهای متناسب با طبعش آفریده شده است... اگر در مجاری خوراک و قسمت‌های بالا و پایین دستگاه گوارش و آن‌چه در درون شکم او از غضروف آویخته به دنده تا شکم، و آن‌چه در سر اوست از چشم و گوش اندیشه‌کنی، از آفرینش مورچه دچار شگفتی شده و از وصف او به زحمت خواهی افتاد. پس بزرگ است خدایی که مورچه را بر روی دست و پایش بر پا داشت و پیکره وجودش را با استحکام قرار داد و در آفرینش آن، هیچ قدرتی او را یاری نداد و هیچ آفریننده‌ای کمکش نکرد. (خطبه ۱۸۵ - نهج البلاغه)

### **مورچه‌ها، شته‌ها را اسیر می‌گیرند:**

مورچه‌ها با اسیر گرفتن شته‌ها از عسل مخصوصی که رشته‌ها درست می‌کنند استفاده می‌کنند و آنها را تحت سیطره خود در می‌آورند. شته‌ها با تولید شیره خوش مزه‌ای که برای مورچه‌ها تولید می‌کنند نظر این موجودات ریز زحمتکش را به خود جلب می‌کنند. مورچه‌ها این شته‌ها را با اسارت می‌گیرند و آنها را اهلی کرده و از وجودشان بهره می‌برند.

### **مورچه‌ها کشاورزی می‌کنند:**

مورچه‌ها برگها را ریز ریز نموده تا به عنوان کود شیمیایی برای کشاورزی بکار گرفته شود. مورچه‌ها با تولید یک نوع از قارچ غذای لذیذی برای خود تهیه می‌کنند. بعضی از آنها دهلیزی به طول ۷۰ متر می‌سازند که در آن به کشت و زرع قارچها می‌پردازند. کشت دیگر مورچه‌ها، کشت نوعی برنج مورچه است. طرز کاشت این برنج توسط مورچه‌ها شبیه کشت برنج متداول در بین انسانها می‌باشد که در مرحله اول در یک قطعه بزرگتر نشاء می‌کنند و با فرا رسیدن زمان درو با دهانشان درو می‌کنند و به مصرف خود می‌رسانند. در زمان حمل و نقل آذوقه به داخل سیلوها و انبارها، تعدادی از مورچه‌ها به عنوان مأمورین بهداشت تغذیه متوجه بهداشت و سلامت کالا هستند تا غذای فاسد وارد انبار نشود. و در صورت مشاهده کالای فاسد، حاملین را موظف می‌کنند تا برگردانند. (خطبه ۱۸۵ - نهج البلاغه)

### **طاووس:**

#### **رنگ آمیزی شگفت انگیز طاووس:**

طاووس، از زیباترین پرندگان است که هر بیننده‌ای را در نگاه نخست، متوجه رنگ آمیزی شگفت انگیز پرها می‌سازد. امیرمؤمنان علی علیه السلام به تشریح عظمت آفرینش طاووس پرداخته و می‌فرماید: «از شگفت انگیزترین پرندگان در آفرینش، طاووس است که خداوند آن را در استوارترین شکل موزون بیافرید و رنگ‌های پر و بالش را به نیکوترین رنگ‌ها بیاراست؛ با بال‌های زیبا که پرها را به روی یکدیگر انباشته شده و دم کشیده‌اش که چون به سوی ماده پیش می‌رود، آن را چونان چتری گشوده و بر سر خود سایبان می‌سازد، گویا بادبان کشتی است که ناخدا آن را

برافراشته است... اگر رنگ های پره های طاووس را به رویدنی های زمین تشبیه کنی، خواهی گفت: دسته گلی است که از شکوفه های رنگارنگ گل های بهاری فراهم آمده است، و اگر آن را با پارچه های پوشیدنی همانند سازی، پس چون پارچه های زیبای پر نقش و نگار یا پرده های رنگارنگ یمن است، و اگر آن را با زیورآلات مقایسه کنی، چون نگین های رنگارنگی است که در نواری از نقره با جواهرات زینت شده است.

### ریزش و رویش پره های طاووس:

امیرمؤمنان در سخنانی به بیان ریزش و رویش پره های طاووس پرداخته و می فرماید: «طاووس، چونان شکوفه های پراکنده ای است که باران بهار و گرمای آفتاب را در پرورش آن نقش چندانی نیست و شگفت آور آن که هر از چند گاهی، از پوشش پره های زیبا بیرون می آید و تن عریان می کند. پره های او پیاپی فرو می ریزد و از نو می روید. پره های طاووس، چونان برگ خزان رسیده می ریزد و دوباره رشد می کند و به هم می پیوندد، تا دیگر بار شکل و رنگ زیبای گذشته خود را بازیابد، بی آن که میان پره های نو و ریخته شده، تفاوتی وجود داشته باشد یا رنگی جا به جا بروید. اگر در تماشای یکی از پره های طاووس دقت کنی، لحظه ای به سرخی گل، و لحظه ای دیگر به سبزی زبرجد و گاه به زردی زر ناب جلوه می کند. راستی! هوش های ژرف اندیش و عقل های پرتلاش، چگونه این همه از حقایق موجود در پدیده ها را می تواند درک کند، و چگونه گفتار توصیفگران، به نظم کشیدن این همه زیبایی را بیان تواند کرد؟

### زیبایی های گردن طاووس:

#### شگفتی رنگ آمیزی پره های طاووس:

برآمدگی گردنش چونان آفتابه ای نفیس و نگارین است، و بر فراز گردن طاووس به جای یال، کاکلی سبزرنگ و پر نقش و از گلوگاه تا روی شکمش به زیبایی و سمه یمانی (برگ گیاهی با رنگ سبز بسیار سیر) رنگ آمیزی شده، یا چون پارچه حریر براق یا آینه ای شفاف که پرده بر روی آن افکندند، بر اطراف گردنش گویا چادری سیاه افکنده که چون رنگ آن شاداب و بسیار می باشد، پنداری با رنگ سبز تندی در هم آمیخته است که در کنار شکاف گوش جلوه خاصی دارد، کمتر رنگی می توان یافت که طاووس از آن در اندامش نداشته باشد، یا با شفافیت و صیقل فراوان و زرق و برق جامه اش آن را جلای برتری نداده باشد. طاووس چونان شکوفه های پراکنده ای است که باران بهار و گرمای آفتاب را در پرورش آن نقش چندانی نیست، و شگفت آور آنکه هر چند گاهی از پوشش پره های زیبا بیرون می آید، و تن عریان می کند، پره های او پیاپی فرو می ریزند و از نو می رویند، پره های طاووس چونان برگ خزان رسیده می ریزند و دوباره رشد می کنند و به هم می پیوندند، تا دیگر بار شکل و رنگ زیبای گذشته خود را باز می یابد، بی آنکه میان پره های نو و ریخته شده تفاوتی وجود داشته باشید یا رنگی جابجا بروید. اگر در تماشای یکی از پره های طاووس دقت کنی، لحظه ای به سرخی گل و لحظه ای دیگر به سبزی زبرجد و گاه به زردی زرناب جلوه می کند.

### "عجز انسان از درک حقائق موجود در پدیده ها"

اگر آنچه دیگران خیال می کنند که آمیزش طاووس به آن است که اشکی از چشم هایش سرازیر می شود و در اطراف پلک هایش جمع می گردد و (سپس) ماده آن اشک را به منقار برمی دارد و می خورد، سپس تخم گذاری می کند، و نطفه نر بجز اشک بیرون آمده از چشم او نیست، این خیال بی پایه شگفت آورتر از این نمی باشد که مردم بر این گمانند که آمیزش کلاغ با قرار دادن منقار در منقار است. (خطبه ۱۶۵ - نهج البلاغه)

### مرغابها چگونه پره های خود را روغن مالی می کنند؟

(و فی خلقکم و ما بیث من دابة ایات لقوم یوقنون. سوره جائیه آیه ۴)  
در خلقت شما و انواع بیشتر حیوانات که در روی زمین پراکنده است، آیات و براهین قدرت حق برای اهل یقین آشکار است.

پرنندگان آزیبی همچون مرغابیها و اردکها را دیده اید که چگونه در آب شنا می کنند. پاهای این پرنندگان همانند پاروی قایق رانی است که بین انگشتان پاهایش پرده ای است که همچون پارو عمل می کند تا حیوان خود را به جلو براند. پرهای زیبا و روغنی این پرنندگان که همیشه نظیف و براق است تعجب تماشاگران را به خود جلب می کند. خداوند کریم پرهای این پرنندگان را به گونه ای آفرید که آب را به خود جذب نکنند تا حیوان بتواند سیکال باشد و روی آب بماند و دیگر اینکه در هوای سرد پرهایش به خاطر رطوبت زیاد یخ نزند که حیوان از بین برود. لذا طراحی بسیار ظریف و جالبی در خلقت این نوع از پرنندگان که با آب سروکار دارند صورت گرفته است که در نزدیک دم این پرنندگان دو غده و یا کیسه کوچک چربی قرار دارد که پرنندگان با منقارشان به این غده ها فشار آورده و چربیها را از کیسه بر می دارند و بر روی پرهای خود می کشند و پرها را صیقل می دهند و روغن مالی می کنند تا آب را به خود نگیرند. پرنده گانی که این کیسه چربی را ندارند پرهای آنها پودر افشانی می کنند که به صورت غبار است که مانع از خیس شدن پرها می شود. پرنندگان آزیبی با رفتن زیر آب استحمام می کنند و همیشه بدنشان را تمیز نگه می دارند و بعضی ها در شنزارها می غلظند تا بدنشان تمیز بماند. پرهای پرنندگان معمولاً سالی یک بار می ریزند و بجای آنها پرهای جدید و نو بیرون می آیند که همانند تعویض لباس برای آنها است. باقرقره پرنده ای است که سه بار لباس عوض می کند. در زمستان پرهای سفید در می آورد تا بر روی برفها که بازی می کند کمتر در دید دشمن قرار گیرد و در غیر زمستان پرهای تیره و خاکستری در می آورد تا به خوبی در مقابل دشمنانش استتار کند. حال چگونه انسان به تفکر ننشیند تا این همه ظرافتها در آفرینش پرنندگان، او را وادار به پذیرش یک حقیقت کند که در پشت این پرده های گوناگون، دست ناظمی نهفته است که باید به آن ایمان آورد و در مقابل قدرت بی انتهای او تسلیم شد و پیشانی عجز بر خاکش سائید. (مهدی احمدی- عجایب خلقت-م)

#### مهاجرت پرنندگان از عجایب دیگر خلقت:

یکی از شگفتی های زندگی پرنندگان مهاجرت آنها به سرزمینهای مورد علاقه و متناسب با نیازهای داخلی آنان می باشد اگر خداوند این غریزه مهاجرت را به پرنندگان عطا نمی فرمود نسل بسیاری از پرنندگان منقرض می شد. لذا پرنندگان مهاجر با تمام شدن فصل مورد علاقه خود به مکانهای دور و نزدیک مسافرت می کنند، حتی از قاره ای به قاره دیگر و از کشوری به کشور دیگر سیر می کنند. پرستوها و چلچله ها و مرغابیهای مختلف هوایی از همین نوعند . پرنده ای به نام بابلینک از خانه تابستانی خود در آمریکا به مقصد برزیل به فاصله ۸۰۰۰۰ کیلومتر به سوی آسیانه زمستانی اش مهاجرت می کند و پرستوی بارنی به فاصله ۱۲۰۰۰ کیلومتر از محل زندگی خود دور می شود و سپس در سال آینده همین مقدار فاصله را پرواز کنان بر می گردد، بطوری که آسیانه سال گذشته خود را پیدا می کند. یکی از محققین حلقه ای فلزی مخصوصی را به پای یکی از این پرنندگان قرار داد و در سال آینده همان پرنده با همان حلقه مخصوص را در آسیانه خود مشاهده کرد. حال جهت یابی این موجودات بدون بکارگیری قطب نما و دستگاه الکترونیکی چگونه امکان پذیر می باشد! آیا عقل انسان می تواند تحلیل صحیحی داشته باشد تا همه اینها را مدیون تصادفات در عالم هستی بداند؟ بیائید بیشتر به این امور فکر کنیم که آیا راهی غیر از اعمال قدرت خداوند حکیم راه دیگری را می شود ( . جستجو کرد؟ (شگفتی های جهان پرنندگان-مهدی احمدی)

#### قدرت شنوایی جغد و بینایی عقاب از عجایب خلقت:

جغد قدرت شنوایی عجیبی دارد بطوری که اگر یک موش در یک مزرعه ای در حال جویدن حبه جو یا گندمی باشد، صدای جویدن موش به گوش جغد در حال پرواز با ارتفاع بالا می رسد. و یا عقاب در حال پرواز، کوچکترین حرکت موجودات روی زمین را می بیند و با یک حرکت سریع و تیز به صیدش نزدیک می شود و با پنجه های قدرتمند خود حتی بره گوسفند و یا بچه آهو را به راحتی شکار می کند.

#### موریانه:

موریانه از مورچه خیلی می ترسد و مورچه دشمن سر سخت موریانه می باشد. موریانه غالباً در زیر زمین، درها و پنجره های چوبی و کمد و بسیاری از وسائل چوبی زندگی می کند. خانه های موریانه ها در دل زمین قابل تخریب نیست

و با بیل و کلنگ نمی شود خراب کرد مگر با بمبها و مواد منفجره. موریانه ها تا چندین متر زیر زمین لانه می رساند که از دسترس بشر خارجند. در بعضی از آشیانه ها حدود ۳ میلیون موریانه زندگی می کنند. نوع ساختمان سازی و مهندسی و طراحی ساختمانها بسیار قوی است.

با توجه به اینکه موریانه ها نابینا هستند و کار ساختمان سازی را خودشان نمی بینند با این حال بسیار زیبا و عجیب می سازند.

که می توانند پایه های یک ساختمان چند طبقه را فرو بپاشند و یا درختان موریانه ها قدرت تخریب زیادی دارند بطوری سر به فلک کشیده را سر نگون کنند. اگر چه در باب تفکر کمتر کسی پیدا می شود که انگشت به پیشانی بگیرد و با دیدن یا شنیدن زندگی اعجاب انگیز موریانه ها به تفکر فرو رود و به خدای یکتا ایمان واقعی آورده و سر تسلیم فرود آورد و از تکبر و غرور فاصله بگیرد و به کبریایی ذات حق اقرار نموده و خود را مشغول ذکر حق کند.

### خلقت پشه:

إِنَّ اللَّهَ لَا يَسْتَحْيِي أَعْنَ يَضْرِبُ مَثَلًا مَّا، بَعُوضَةً فَمَا فَوْقَهَا (بقره ۲۶)

علی علیه السلام پیرامون خلقت موجود کوچکی همچون پشه سخن به میان آورده است. حضرت می فرماید اگر همه خلایق عالم جمع شوند از حیوانات ذوی العقول و از صاحبان عقول و زیرکان و دانشمندان دنیا استفاده کنند، هرگز نخواهند توانست راه ایجاد و خلقت یک پشه را پیدا کنند چه برسد به ساختن و خلقت آن و اگر اقدام به جمع آوری امکانات علمی و مادی هم نمایند پس از عجز و ناتوانی و نا امید شدن اقرار به ضعف خود خواهند کرد. پشه موجود ریزی است که با فیل برابری می کند و حتی بخاطر داشتن دو بال از فیل بالاتر است چرا که آن چرا فیل در خود دارد پشه هم دارا می باشد. پشه با خرطوم بسیار ریز و ظریف خود در پوست انسان و حیوان نفوذ می کند و خون را از زیر پوست می مکد، از جهت مبارزه هم می تواند فیل را هم به زانو در آورد و حتی سلاطین و پادشاهان را به زانو در آورد همانطور که نمرود را به هلاکت رساند. جالب است که حضرت می فرماید: نه تنها انسانها در خلقت پشه عاجزند در دفاع از پشه هم عاجز خواهند بود مگر آنکه از ابزاری چون سموم بهره گیرند.

### عنکبوت:

عنکبوت، نام یکی از سوره های قرآن است و این نشان از شگفتی های این موجود دارد. عنکبوت از جمله موجوداتی است که تعجب انسان را بر می انگیزد که با تار تنیدن خود و شکار حشرات با حيله های متفاوت و شگفت انگیز، غذای خود را به راحتی تهیه می کند . عنکبوت به وسیله بزاق دهان تارهایی را می تند که نوعی پروتئین در آب است . در عصر حاضر با پیشرفت علوم پزشکی از تارهای عنکبوت برای امور پزشکی و حتی در صنایع نظامی استفاده می کنند. از جهات مقاومت تار عنکبوت پنج برابر فولاد و آهن استحکام دارد . یکی از عجایب زندگی این موجود عجیب این است که با تارهای خود، کمینگاه زیبا و مستحکمی می سازد که علاوه بر زیبایی خاصی که دارد دام بسیار محکمی برای حشرات دیگر است. با کوچکترین برخورد حشرات با تارهای عنکبوتی باعث به دام افتادن آنها می شود که به هیچ وجه نمی توانند نجات پیدا کنند و در دام و مرصاد قرار گرفتن همان و در چنگال عنکبوت اسیر شدن همان. حال ای صاحب عقل و تدبیر به خلقت این موجود ریز حيله گر ببیندیش که چگونه و از کجا این درس را فرا گرفته است که با بزاق دهانش می تواند طنابهای نازکی را ببافد و از لابلای هم عبور داده و با یک شکل هندسی منظم، کمینگاهی برای موجودات ریز دیگر بسازد. باز خوب به زندگی این موجود بنگر که چگونه با چتر بازی خود را در فضا آویزان می کند و چندین متر تار می تند و از فاصله زیاد به پایین می آید و اگر بخواهد به بالا برگردد از همان تاری که با بزاق دهانش ساخت و به وسیله آن آویزان شد و خود را به پایین رساند حال خود را به بالا می کشد و با جمع کردن آن تار باز به جایگاه اول خود بر می گردد. اگر انسان به همین مقدار عمیقاً به فکر وادار شود به وجود خداوند متعال ایمان می آورد.(شگفتیهای جهان حشرات-مهدی احمدی)

## پروانه ها سخن می گویند:

دانشمندان و محققین تا کنون به ۱۰۰/۰۰۰ نوع پروانه دست یافتند. پروانه ها از زیباترین حشرات از جهات شکل و رنگ، به زیبایی طبیعت افزودند همه ما کم و بیش در باغها و گلخانه ها با انواع مختلف پروانه ها آشنا هستیم پروانه دارای پولکهای مخملی است و رنگهای متنوعی هم دارد بدن پروانه دارای هزاران ماهیچه است تا حرکات آن به آسانی انجام گیرد. در سر پروانه دو چشم قرار دارد که هر یک از آنها از چندین هزار چشم دیگر تشکیل شده اند. لذا پروانه بدون برگشتن قادر است پشت سر و اطراف خود را به راحتی ببیند. پروانه ها علاوه بر نقش داشتن در شادابی و طراوت طبیعت، برای بارور نمودن گلها در گرده افشانی آنها کمک می کنند و با نشستن روی گلهای نر گرده گلهای نر را گرفته و به گلهای ماده انتقال می دهند تا گلهای ماده بدین وسیله بارور شوند درست همان کاری را که زنبورها انجام می دهند. شکل و اندازه، نقشه و نقاشی، کیفیت پرواز و دور زدن و سوختن دور شمع و چراغ همه و همه، ما را به خالقش رهنمون می کنند که ای انسان، فضای اطراف خود را بنگر گلها و پروانه ها را نظاره کن تا درس خداشناسی و توحید بیاموزی. همه این پدیده ها حتی پروانه کوچک هم با ما سخن می گوید که ای بنده خدا، که در خود همچون پیله ابریشم، گم شده ای از زندان غفلت به در آی تا ببینی آن چرا که عارفان دیده اند.

## عجائب دیگر از خلقت در آسمانها و زمین و ارزاق ووو... بسیار است: آیا می دانی!

### خاک ضد عفونی کننده است:

خاک مهمترین ماده ضد عفونی کننده جهان است و آنتی بیوتیکها از خاک درست می شوند و مقداری از پنی سیلین که نوعی آنتی بیوتیک است در خاک موجود است. در خاک، حیوانات ریزی وجود دارند که سربازان مبارزه با فساد هستند ولی خاک شور و شن و ماسه این خاصیت را ندارند بخاطر همین اسلام تیمم با خاک خالص و پاک را بجای وضو و غسل تجویز فرموده است. فتیموما صعیدا طیباً پس با خاک پاک تیمم کنید.

### آب- من الماء کل شیء حی:

کلمه ماء که به معنای آب است ۶۳ بار در قرآن وارد شده که در چهار جا به معنای نطفه آمده است و در ۵۹۹ مورد دیگر دلالت بر همان مایع زلالی دارد که از چشمه ها و رودخانه ها سرزیر است و یا دریاها و اقیانوسها را پر کرده است انسان از همان زمانی که به عنوان نطفه ای شناگر در آب بود و از خون مادر تغذیه می کرد و سپس متکون شد و به صورت انسان کاملی در آمد، مستغرق در این نعمت الهی یعنی آب بود و استمرار زندگی و حیاتش هم متکی به آب خواهد بود. آب در تمام مراحل زندگی بیش از هر چیز دیگر با انسان مانوس است که از تولدش گرفته که از شیر مادر تغذیه می کرد تا گوهر اشک که در شادی ها و مصیبت ها و اندوه ها از چشمان او سرزیر می شود. انسان بیش از سه روز تحمل تشنگی را ندارد و این در حالی است که بدن انسان نسبت به غذا این مقدار حساس نیست که نسبت به آب بسیار نیازمند و حساس است.

انسان نیازمندی آب خود را از سه مصدر تأمین می کند که ۴۷ درصد آب را مستقیماً از آب استفاده می کند و ۳۹۹ در صد آن را از غذاهای جامد همانند نان و گوشت و سبزی و میوه و ۱۴ درصد دیگر آب بدن انسان از احتراق داخل بدن (تاکسد) بدست می آورد.

وجود آب در بدن انسان به عنوان ناظم فشار خون و حرارت و مواد مختلف در اعضای بدن است و در واردات و صادرات آب با هماهنگی اعضای مسئول نشانی از نشانه های قدرت الهی دارد که دستگاه کوچک و ظریفی به نام کلیه این مقدار نیاز بدن به آب را به خوبی هدایت و تنظیم می کند که اضافه را به صورت ادرار و یا به صورت عرق از منافذهای پوست تن به خارج از بدن می فرستد. و در صورت کمبود آب ولو به اندازه ۱ % وزن انسان از آب کم شود احساس تشنگی خواهد کرد و اگر ۵ % وزن بدن از آب کم گردد، گلو و زبان خشک شده و پوست، چین خورده و عقل هم کاهش یافته و بدن دچار ضعف می شود و اگر به بیش از ۱۰ % برسد، انسان به مرگ نزدیک می گردد و در این حال با

نوشیدن مقداری آب نجات می یابد. در چنین زمانی انسان به اهمیت و ارزش آب پی خواهد برد. آب علاوه بر اینکه مایع حیاتی برای ماشین تن انسان محسوب می شود، فوائد بسیار زیادی در عالم تکوین دارد از جمله آنها، در بیداری زمینهای خشک برای روئیدن گیاهان و درختان متنوع برای استفاده حیوانات و انسانها از آنها نقش حیاتی دارد که در همین رابطه قرآن کریم می فرماید:

وتری الارض هامة فادا انزلنا عليها الماء اهتزت و ربّت و انبتت من كل زوج بهيج. (سوره حج آیه ۵)  
و تو زمین را بی گیاه خشک و مرده می یابی و آن هنگام که باران را بر آن فرو باریم ناگهان حرکت می کند و رشد می نماید و از هر گیاه زیبا و دلربایی در آن بروید). انسان به هر نعمت از نعمات خداوند کریم نظاره کند و هر کدام از پدیده های اطراف خود را مورد مطالعه قرار دهد پله ای از پله های نردبان ایمان به خدا را صعود کرده است.

دیگر شگفتیهای جهان خلقت:

چشمه ها در روی زمین!

آیا در آفرینش و فوائد حیاتی هوا فکر کرده اید؟

شکافنده دانه در داخل خاک کیست؟

شکافتن دانه در دل خاک و حرارت معجزه آسانها!

نقش گیاهان در حیات بشر!

زوجیت و قانون وراثت و وژن در گیاهان!

زوجیت و قانون وراثت و وژن در گیاهان!

"سوره شعراء آیه ۷ -" اولم یروا الی الارض کم انبتنا فیها من كل زوج کریم"

(آیا در زمین به دیده عبرت نظر نکردند که ما چه انواع گوناگون از نباتات به صورت زوج آفریده و رویانیدیم) به خداوند کریم همه موجودات از نباتات و حیوانات و انسانها را به صورت زوج آفرید. زوجیت در انسان و حیوان وضوح روشن است ولی کمتر کسی از دواج گلها و درختان را باور می کند. ولی با توجه به علوم گیاه شناسی ثابت شده است که عمل لقاح در گیاهان هم صورت می گیرد، و گیاهان هم در قالب نر و ماده خلق شده اند. لذا قانون وراثت و ژن در گیاهان هم جاری می شود اگر میلیونها سال قبل با کاشتن گندم سبز می شد و خوشه های گندم پدید می آمد، میلیونها سال دیگر هم از گندم، گندم پدید می آید و اگر تخم و دانه گیاهی رنگ و بو و مزه خاصی داشته باشد، میوه آن هم همانگونه خواهد بود لذا قانون وراثت، جهان شمول است.

بادهای پیام آور و عروسی گلهدار قران:

و ارسلنا الریاح لواقع:

نفس برگها و پوستهای درختان و گیاهان:

بیش از صد هزار نوع از انواع گیاهان شمارش شده است. آیا تا به حال فرصت کرده اید که برگ سبز درختان را موارد مطالعه دقیق قرار دهید؟ ظاهر برگها دارای صفحات صاف و یکپارچه می باشند ولی با کمی دقت متوجه خواهید شد که برگها دارای ساختمان عجیبی هستند که اگر زیر میکروسکوپ قرار بگیرند حدود چهار صد هزار روزنه با چشم مسلح دیده می شوند که این تعداد روزنه ها موظفند هوا را وارد برگها کنند تا عمل تنفس درخت صورت گیرد. و همینطور بشره و پوست ساقه های جوان، دارای روزنه هستند تا در جذب هوا کمک کنند.

برگها و پوستهای درختان و گیاهان هوا را جذب کرده و وارد اندامهای درختان و گیاهان می کنند. و از طرفی آبهای اضافی از کنار برگها خارج می شوند. چرا که آب به وسیله ریشه ها جذب شده و با توجه به نیروی جاذبه زمین که هر چیزی را به سمت پایین می کشد، ولی آب از ریشه های درختان و گیاهان به سمت بالا حرکت می کند و تا چندین متر بالا رفته تا خود را به برگها و میوه ها برساند و این در حالی است که بعضی از درختان ده ها متر ارتفاع دارند. خداوند کریم ساختمان تغذیه گیاهان را به گونه ای طراحی نموده که بر خلاف نیروی جاذبه آب را به وسیله ریشه ها به سمت ساقه ها و میوه ها و برگها می کشاند و آب اضافی و زائد را از روزنه های کنار برگ گیاه خارج می سازد. آفرین بر خالق هستی که اینگونه سیستم تغذیه گیاهان و درختان را آفریده است.

دانستیم که نعمتهای خداوند کریم در جهان آفرینش غیر قابل شمارش است. در این دنیا معماهای بسیار در غالب ۷۲ علمی است که به ائمه (ع) سپرده شده و تاکنون جزء تعداد معدودی از آن کشف نشده است. نقش آفرینی گیاهان و حشرات و نباتات و حیوانات و جانداران و انسان در دنیا آنقدر جای بحث و گفتگو و شگفتی دارد که همه راه یافتگان را به تفکر در آفاق و انفس توصیه نموده است و دانشمندانی لحظات زندگی خود را وقف شناسایی و دانستن مجهولات عالم خلقت کرده اند. بسی جای تأسف است که دیدگاه بعضی به خلقت عظیم الهی، در نظریه پردازی متوقف به دهریه است و این عظمت و شگفتی را با سلاح تفکر و مرضی حق به سوی ساحل فلاح و نجات بشریت رهنمود نمی سازند.

**وَاِذَا مَنَّ الْمَلِكُ بِعَبْدٍ غَيْرِ نَسَبٍ لِّهٖ وَلَا اِسْمٍ لِّهٖ، وَ اَعْتَقَ رِقَابًا مِّنْ نَّعْمَتِكَ.**

ای آن که مدت فرمانروایی تو بی نهایت است، بر محمد و خاندانش درود فرست و ما را از بند انتقام خود رهایی بخش

امام صادق (ع) فرمودند: «سه چیز است که با وجود آن ها هیچ ضرری به انسان نمی رسد: دعا در وقت گرفتاری و بلا، طلب استغفار و آمرزش در وقت گناه و شکرکردن در هنگام نعمت.»، بعضی از افراد فقط به فکر خودشان هستند و دیگران را هیچ به حساب نمی آورند، این افراد باید بدانند که نعمت شان دوام نخواهد داشت.

**فاصله بین کفر و ایمان و ارتباط آن با انتقام الهی چیست؟**

**پاسخ:**

از دو جنبه این مسئله لحاظ می شود، از جنبه فقهی و معرفت شناسی. اگر از جنبه فقهی به آن نگاه گردد که انسان یا کافر است که حکم خود را دارد و یا مومن است که آنهم حکم و قوانین خاص خود را دارد. ولی از جنبه معرفت شناسی بین کفر و ایمان فاصله است.

به سخن دیگر، از نظر معرفت شناسی، فرق است میان جاهلی که جهل خود را انکار نمی کند و جاهلی که جهل خود را انکار می کند، و کافر، در واقع، جاهلی است که جهل خود را انکار می کند و مدعی علم است. پس ترک نماز فاصله ای بین کفر و ایمان است. غصب خلافت مولای در سقیفه فاصله بین کفر و ایمان است. ترک یکی از اصول اعتقادی و دینی فاصله بین کفر و ایمان است که مهمترین آن ولایت است، عقاب الهی را در برخواهد داشت.

من ترک صلاته حتی تفته من غیر عذر فقد حبط عمله- ثم قال: بین العبد و بین الکفر ترک الصلاة (جامع الاخبار- میزان الحکمه)

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر که بدون داشتن عذری نماز خود را نخواند تا فوت شود، عملش بر باد رفته است. مرز میان آدمی و کفر، ترک نماز است.

## معنای عقاب الهی چیست؟

پاسخ:

امام صادق (ع) فرمود: با ایمان هیچ کاری زیان ندارد و هم چنین با کفر هیچ کرداری سود ندهد (۳۰۴۷-اصول کافی کتاب ایمان و کفر)

حضرت صادق (ع) فرمود؛ امیرالمؤمنین علی (ع) این جمله را زیاد در خطبه اش می فرمود: ای مردم دین خود را نگهدارید- دین خود را نگهدارید- زیرا گناه در آن بهتر از حسنه در غیر آن است. گناه در آن آمرزیده شود و حسنه در غیر آن پذیرفته نشود (اصول کافی - کتاب کفر و الایمان- ۳۰۴۹)

عقاب الهی؛ ای بشر بدان که عقاب الهی به نسبت اعمال کثیر است - این دعا بعد از ذکر پادشاهی و سلطنت الهی تنها اسلحه را صلوات بر محمد و آتش قرار می دهد تا در پناه این ذکر گردنهای را از بند عقاب الهی آزاد سازد. ولی باید دانست تا زمانی که گناه در زندگی انسان بصورت‌های مختلف وجود داشته باشد گردنهای از بند عقاب آزاد نخواهد شد.

زمانی که برگهای تاریخ را ورق می زنی و به دوران غصب خلافت می رسی، با یاد اوری جعل حدیث و بدعت گذاری ها و پشت کردن به دستورات الهی و دور شدن از پیشوایی و رهنمود های رسول گرامی (ص) قلبت از ظلم و ستم و نفاق و دورویی و کفر نسبت به ولایت و امامت و از همه مهمتر یک قرن سب بر علی (ع) " بزرگ مرد تاریخ " آزرده خاطر می گردد . آنان بنی امیه و بنی عباس بودند . آنان نسبت به احکام و دین و شریعت اسلام کافر بودند روش آنان دروغ بستن بر خداوند و پیامبر (ص) و ائمه (ع) بود . دوری از حق و گرایش به باطل و تشکیل فرقه های منحرف از اهداف ضالّه آنان بوده و هست . و این خطر نفاق هنوز هم با اسمهای گوناگون ؛ گروهکهای تروریستی را به سرپرستی و هابیت آل سعود (لعنة الله علیه) تشکیل می دهد تا ظلم و جور و چپاولگری را ادامه دهند. ولی بدانید عقاب الهی بر دو گروه در دنیا و آخرت خواهد بود یکی بر عاملان دروغگو و دیگر بر موافقان آنها.

کسانی که دشمن و منکر ولایت و جانشینی امیرالمؤمنین (ع) هستند پیوسته در کارشان رنج و مشقت است و آتش فروزان جهنم در عذاب آنها فرو خواهد نشست، اگر همه صدیقین و شهدا و پیامبرانی که خداوند او را برانگیخته در مورد دشمن اهل بیت (ع) شفاعت نمایند که او را از جهنم خارج کند خداوند هیچگاه او را از جهنم بیرون نخواهد آورد (ماکثین فیه ابدًا) و همیشه در جهنم خواهند ماند. (امام باقر (ع) - عقاب الاعمال ص ۴۴۶)

امیرالمؤمنین علی (ع) می فرماید: آنان که عقاید اسلامی را تغییر دهند و احکام را دگرگون کنند در روز قیامت کور محشور می شوند. (اعقاب العمال-ترجمه-ص ۴۴۹)

امام صادق (ع) فرمود: برآستی که حضرت نوح سگ و خوک را در کشتی خود سوار کرد ولی حرامزاده را سوار نکرد و ناصبی بدتر از حرامزاده است. (اعقاب الاعمال ص ۴۵۵)

ذکر صلوات بر محمد و آل محمد در دعا و غیر آن چه خاصیتی در بر دارد؟

پاسخ:

امام صادق (ع) فرمود: پیوسته دعا محجوب است (میان دعا و استجابات حجاب و پرده ای حائل است) تا بر محمد و آتش صلوات فرستاده شود (آنگاه پرده و حائل بر طرف شود) (اصول کافی/کتاب الدعاء).

معنای صلوات در لغت چیست؟

پاسخ:



صلوة در لغت به معنای دعا است . عبادت مخصوصی که شامل دعا است بعضی گفته اند : صلوة در لغت به معنای تعظیم است و عبادت مخصوصه راهم صلوة گفته اند چون در آن تعظیم خداوند است.

**چرا خداوند بر رسولش صلوات فرستاده است؟**

**پاسخ:**

فیض کاشانی(ره) در وافی می گوید: معنای صلوة خدا بر پیامبرش (ص) افاضه انواع کرامات و لطائف نعمتهاست بر او اما صلوات ما و فرشتگان بر او پس از آن درخواست آن کرامت و افاضه آن بر او است.

**فوائد صلوات از نظر خداوند متعال و فرشتگان و بندگان چگونه است؟**

**پاسخ:**

علامه مجلسی (ره) در کافی می گوید: صلوات از خدای سبحان "رحمت" است. و از فرشتگان استغفار(طلب آمرزش) و از بندگان "دعا" است(همان).

**چرا باید در صلوات بر محمد (ص) آل او را اضافه کرد؟**

**پاسخ:**

آل پیغمبر (ص) نزد شیعه امامیه، عترت طاهره و خاندان معصوم او هستند. شهید ثانی(ره) آل را مخصوص به امیرالمومنین علی(ع) و فاطمه(س) و حسنین(ع) کرده است وجهی و دلیلی ندارد، اما نزد عامه اختلاف بسیاری است، پس برخی گفته اند: آل پیامبر(ص) تمام امت او هستند، و بعضی گفته اند: عشیره اویند، برخی گفته اند: هر که از بنی هاشم و بنی عبدالمطلب که گرفتن زکات بر آنها حرام است، آل پیامبرند. سپس جوهری برای اینکه دعا بدون صلوات محجوب است، ذکر فرموده است.

**ارتباط دعا با صلوات چگونه است؟**

**پاسخ:**

امام صادق (ع) فرمودند: هر که دعائی کند و نام پیغمبر را نبرد آن دعا بالای سرش چون پرنده ای بچرخد و چون نام پیغمبر(ص) را برد دعا بالا رود.

ابوبصیر از امام صادق(ع) پرسید: معنای اینکه همه صلواتم را برای شما قرار دهم چیست؟ فرمود: یعنی پیغمبر را مقدمه و جلو هر حاجتی قرار می دهد و از خدای عزوجل چیزی در خواست نکند تا نام پیغمبر ابتداء کند و صلوات بر او فرستد ، سپس حاجت خود را از خدا در خواست کند.

و نیز آن حضرت می فرماید: رسول خدا (ص) فرمود: صلوات بر من و بر اهل بیت من نفاق را می برد.(اصول کافی ج ۴ ص ۲۵۰ ترجمه)

**خداشناسی و تقویت خداشناسی و ارتباط آن با صلوات چیست؟**

**پاسخ:**

اسحاق بن فروخ گوید: حضرت امام صادق(ع) فرمود: ای اسحاق بن فروخ هر که ده بار بر محمد و آل محمد صلوات بفرستد خداوند و فرشتگان او صد بار بر او صلوات فرستد و هر که صد بار بر محمد و آل محمد صلوات فرستد خداوند و

فرشتگانش هزار بار بر او صلوات فرستند ، آیا گفتار خدای عزوجل را نشنیده ای که می فرماید: اوست آن خداوندی که رحمت (پادرو) فرستد بر شما و فرشتگانش تا برون آرد شما را از تاریکیها بسوی روشنایی و بوده به مومنان مهربان هوالذی یصلی علیکم و ملائکته لیخرجکم من الظلمات الی النور و کان بالمؤمنین رحیما(احزاب/۴۳)

طبرسی(ره) گوید: صلوات از خدا آمرزش و رحمت است، و گفته شده: ثنا و ستایش است و برخی گفته اند: کرامت و بخشندگی است. اما صلوات فرشتگان همان دعای آنهاست چنانکه از ابن عباس نقل شده و گفته شده: در خواست آنهاست از خدای تعالی برای فرو فرستادن رحمت.(اصول کافی/ثقة الاسلام کلینی/۳۱۶۳)

۲- امام صادق(ع) فرمود: هر که بدرگاه خدای عزوجل حاجتی دارد باید به صلوات بر محمد و آتش شروع کند و سپس حاجت خود را بخواهد و در آخر هم بصلوات بر محمد و آل محمد پایان دهد زیرا که خدای عزوجل کریم تر از آن است که دو طرف دعا را بپذیرد و وسط دعا را واگذارد و باجابت نرساند. زیرا صلوات بر محمد و آل او محبوب نیست و بدون برخورد به حاجی بالا رود.(همان/۳۱۶۵)

۳- عبیدالله بن عبدالله دهقان گوید: خدمت حضرت رضا (ع) شرفیاب شدم ، پس آنحضرت به من فرمود: معنای گفتار خداوند چیست؟ "و ذکر اسم ربّه فصلی" (سوره اعلی/۱۵) من عرض کردم: یعنی هر زمان نام پروردگارش را بیاد آورد پس نماز خواند(صلوة به معنای نماز است) فرمود: پس اگر اینطور باشد خداوند تکلیفی نابجا و بیرون از طاقت و توانایی کرده است؟ عرض کردم: قربانت ؛ پس معنای آن چگونه است؟ فرمود: هر گاه نام پروردگارش را یاد کند بر محمد و آتش صلوات فرستد.

مجلسی(ره) پس از نقل تفاسیر زیادی که از معصوم (ع) و غیر او در تفسیر آمده؛ می گوید: صلوة در آیه "فصلی" را بتوحید و ذکر قلبی و زبانی - یعنی الله اکبر- و نماز در صحرا و نماز فطر و اضحی تفسیر کرده اند، می گوید: منافاتی میان این روایت و آن روایات نیست زیرا این نیز یکی از معانی آیه و بطنی از بطون آن می باشد.(همان/۳۱۶۷)

۴- و نیز آنحضرت (ع) فرمود: رسول خدا (ص) فرموده است: هر که من نزدش نام برده شوم و فراموش کند که بر من صلوات بفرستد خداوند او را براهی جز راه بهشت برد.(همان/۳۱۶۹)

۵- و نیز آنحضرت(ع) فرمود: پدرم شنیدم که مردی بپرده کعبه در آویخته و می گوید: اللهم صل علی محمد - (و نامی از آل محمد دنبال آن نمی برد) پدرم به او فرمود: ای بنده خدا بریده اش مکن و در باره حق ما بما ستم مکن و بگو "اللهم صل علی محمد و آله و اهلبیتش)(همان/۳۱۷۰)

۶- و نیز آنحضرت فرمودند: رسول خدا فرموده: هیچ مردمی نباشند که در انجمنی (مجلسی) گردهم آیند و نام خدای عزوجل را نبرند و بر پیغمبر (ص) صلوات نفرستند جز اینکه آن مجلس مایه حسرت و زیان بر آنها باشد.(اصول کافی - باب الدعاء حدیث ۵ ترجمه)

۷- و نیز آنحضرت (ع) می فرماید: رسول خدا(ص) فرموده: هر که ذکر خدای عزوجل را بسیار کند خداوند او را دوست دارد ، و هر که ذکر خدا را بسیار کند برای او دو برأت (یعنی منشور آزادی) نوشته شود، یکی برأت از دوزخ و دیگری برأت از نفاق و دورویی. (همان/۳۱۸۵)

۸- "اذکر الله ذکرا کثیرا- (احزاب/۴۱) منظور از ذکر کثیر ، تسبیح فاطمة الزهرا علیها السلام- (امام صادق(ع) فرموده است: خدا را یاد کنید یاد کردن بسیار و تسبیح فاطمه الزهراء (س) از جمله ذکر کثیر است - (همان/۳۱۸۷)

۹- و نیز آنحضرت (ع) فرمود: رسول خدا (ص) چنان بود که روزی سبب و شصت بار خدا را حمد و ستایش می کرد بشماره رگهای بدن و ایشان اینگونه می فرمود: الحمد لله رب العالمین کثیرا علی کل حال (ستایش مخصوص پروردگار جهانیانست بسیار بر هر حال)(همان/۳۲۰۲)

۱۰- یعقوب بن شعیب گوید: شنیدم از امام صادق(ع) می فرمود: رسول خدا (ص) فرمود: همانا در بدن آدمیزاد سیصد و شصت رگ است که یکصد و هشتاد رگ از آنها میجنبند و یکصد و هشتاد رنگ دیگرش ساکن است پس اگر یکی از رگهای جنبنده ساکن شود (آدمیزاد) خوابش نبرد و اگر یکی از رگهای ساکن بحنیش در آید خوابش نبرد. و رسول خدا (ص) چنان بود که چون بامداد میکرد سیصد و شصت بار می فرمود: الحمد لله رب العالمین کثیرا علی کل حال- و چون شام می کرد مانند آنرا می گفت.(همان ۳۲۰۳)

اینک بخشی از شرح دعای جامعه کبیره در مورد صلوات نوشته اینجانب:

ریشه صَلَی است دو نوع معنا برای آن قائل شده اند. یکی آتش و هر نوع گرمی و دیگری نوعی عبادت است. محققان گفته اند: لفظ "صلاة" به معنای عطف است، لیکن عطف اگر از سوی خدای متعال باشد به صورت رحمت است و اگر از سوی فرشتگان باشد، به صورت استغفار جلوه گر می شود و اگر از انسانها باشد به صورت دعا برای همدیگر تجلی می کند (ریاض السالکین ج ۱ ص ۴۲۰)

صلوات شعار مسلمانان است بهترین تحیت است که امت اسلام برای رهبر عالی قدر خود می فرستد. منفعت این تحیتها دو جانبه است؛ یعنی هم تجلیل شوندگان بهره مند می شوند و هم تجلیل کنندگان.

علامه طباطبائی در جواب کسانی که صلوات را به معنای رحمت گرفته اند، می گوید: اولئک علیهم صلوات من ربهم و رحمة- (بقره ۱۵۷) جمع بودن "صلوات" و مفرد بودن "رحمت" در همین آیه و نیز استدلال به رحمت الهی بر صلوات فرستادن خدا بر مؤمنان "هو الذی یصلی علیکم و ملائکته لیخرجکم من الظلمات الی النور و کان بالمومنین رحیما"(احزاب ۴۳) دلالت می کند که اجمالا صلوات غیر از رحمت است.

۱- در بیان رسول اکرم(ص) است که "ارفعوا أصواتکم بالصلاة علی فأنها تذهب بالنفاق(کافی ج ۲ ص ۹۳) ترغیب به صلوات با صدای بلند و ذکر آثار مثبت و برکات فراوان آن، و از بین بردن نفاق.

۲- صلوات بهترین عبادت است زیرا صلوات هدیه ای است که نخست خود خداوند و سپس فرشتگان، آن را بر پیامبر (ص) می فرستند. پس کار خدایی است و اقتدا به ذات اقدس الهی است.

۳- "ان الله و ملائکته....." دلالت بر استمرار و پیوسته بودن ای فیض ویژه می کند.

۴- از رسول خدا(ص) نقل است: هر کس یک بار بر من صلوات بفرستد خداوند در برابر آن ده بار بر او صلوات می فرستد و ده گناه از او محو می کند. "من صلّى علی صلاة صلی الله علیه بها عشرا و حطّ عنه عشر خطیئات(الدر المنثور ج ۶ ص ۶۵۱ ذیل آیه ۵۶ احزاب)

۵- و می فرمایند: هر کس صلوات بر مرا بنویسد تا زمانی که آن نوشته موجود است، ملائکه بر او صلوات می فرستند"من صلّى علی فی کتاب لم تزل الملائكة یصلون علیه مادام اسمی فی ذلک الکتاب" (همان)

۶- از آن حضرت رسیده است: سه گروه هستند که توفیق دیدار مرا پیدا نمی کنند: ۱- عاق والدین ۲- کسانی که سنت مرا رها کردند ۳- کسی که نام من نزد او برده می شود و صلوات بر من نمی فرستد. (لایری و جهی ثلاثة أقوام: احدها العاق لوالديه و الثانی تارک سنتی و الثالث من ذکرک عنده فلم یصل علی(تفسیر روح البیان ج ۷ ص ۲۲۷)

۷- صلوات پشیمانان استجاب دعا است. دعا محجوب و پوشیده می ماند تا آنکه بر محمد و آل او صلوات فرستاده شود.

۸- بسیاری از علمای اهل سنت صلوات بر آن حضرت را از واجبات تشهد نماز دانسته اند. جالب است که قرطبی از ابوجعفر محمد بن علی بن الحسین (امام باقر) نقل کرده است: اگر نماز بخوانم و در آن نماز بر پیامبر (ص) و اهل بیت(ع)

صلوات نفرستم ، آن نماز را ناتمام می دانم" لو صَلَّيْتُ صَلَاةً لَمْ أَصَلِّ فِيهَا عَلَي النَّبِيِّ (ص) و لا على أهل بيته لرأيت أنها لا تَنَّمُ" (تفسير قرطبي ، ج ١٤ ، ص ٢١٤)

شافعی در سؤال اصحاب خود که می گفتند " گروهی از مردم طاقت شنیدن فضائل و مناقب اهل بیت را ندارند از این رو اگر کسی از ما در این باره سخن بگوید ، آنها می گویند : این رافضی است و شافعی گفت : ای قوم از این حرفها بگذرید زیرا اینها حدیث رافضی هاست . من شافعی از این انسانها به سوی خدا تبری می جویم کسانی که دوستی منسوبان به فاطمه را " رفض" می دانند . صلوات پروردگار من بر آل رسول و لعنت بر این جاهلیت باد. (ینابیع المودة ج ٢ ص ٣٧٣) و شافعی می گوید: ای اهل بیت رسول خدا محبت شما از سوی خداوند در قرآنی که نازل کرده واجب شده است در عظمت مقام شما همین بس است که هر کس بر شما صلوات نفرستد ، نماز او صحیح نیست) همان ج ٢ ص ٤٣٤

عالم بزرگ اهل سنت ابن حجر عسقلانی از پیامبر اکرم(ص) نقل کرده است : صلوات ناقص بر من نفرستید (همان ص ٤٣٤)

آل رسول (ص) نه شامل زنان پیامبر است و نه شامل دوستان و انصار او که بعضی ادعا کرده اند آنهایی که مقابل علی(ع) ایستادند و جنگ افروزی کردند (جمل - صفین - نهروان) که به قول امیر المؤمنین علی (ع) استخوانی گلوگیر بود. زمخسری در کشاف می گوید که از پیامبر سوال شد : اقربای تو که در این آیه ، مودت و دوستی آنان واجب شد ، چه کسانی هستند؟ فرمود : علی ، فاطمه ، و دوپسرش ، و او در پایان به سه دلیل استدلال می کند که تعظیم و بزرگداشت این چهار نفر به صورت ویژه واجب است. (تفسیر کبیر ج ٢٧ ، ص ١٦٧)

پیامبر(ص) در جریان کسا نه تنها همسران خود را داخل نکرد بلکه از ورود آنان جلوگیری کرد و سپس با اشاره به فاطمه ، شوهر و فرزندان وی عرضه داشت : خدایا اهل بیت من اینها هستند. و از ورود ام سلمه که می خواست وارد شود مانع شد. پس بنا بر آیه تطهیر " انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل بیت و یطهرکم تطهیرا" اهل کسا باید معصوم باشند. و شیعه عقیده دارد که عصمت منحصر در خمسه طیبه نیست بلکه با ادله اثبات می کند که نه امام بعدی که فرزند امام حسین (ع) هستند معصومند. آنان ، چهارده معصوم واسطه فیض هستند و صلوات بر محمد(ص) و آل او حکایت از روحیه قدر شناسی امت است.

**مجازات صلوات نفرستادن بر پیامبر(ص) در نماز چیست؟**

**پاسخ:**

رسول خدا(ص) فرمود: کسی که نام مرا پیش او ببرند و بر من صلوات نفرستند و به جهنم بروند ، خداوند او را از رحمت خود دور گرداند و نیز فرمود : کسی که نام مرا پیش او ببرند و او صلوات بر من را فراموش کند در راه بهشت به اشتباه می افتد.

درو و سلام بر خداوند و رسول گرامیش(ص) و حجت‌های روی زمین ائمه (ع)؛ نجات دهنده ما از گمراهی در شناخت خدای یکتا ، و رهاشدن از بند انتقام او برطبق فراز اول دعا، سپس بهره گیری از رحمت خداوندیش و نزدیکی به آستان قرب الهی ، و در نتیجه دور ماندن از قافله رسوایی دنیا و آخرت .

**طریق استجاب دعا چگونه است / وبه عبارتی طریق رسیدن به قرب الهی چیست؟**

**پاسخ:**

یاد خدا و شگفتی عظمت او در خلق افرینش پایانی ندارد . سلطنت او باقی است ، او همیشه بالذات ، تجلی ظهور دارد پس وقتی وارد دعا می شوی و حاجتی از خداوند تعالی خواستی ، ابتدا خدای عزوجل را تمجید کن با ذکر (الله اکبر) و سپاسگزار نعمت های او باش با ذکر (الحمد لله) و او را تسبیح کن با ذکر (سبحان الله) و بعد ذکر تهلیل (لا اله الا الله) و

اورا ثناگو باش بر نعمتهای بیشمارش و بر محمد و آتش صلوات بفرست و سپس درخواست خود را مطرح کن./ (اصول کافی/ کتاب الدعاء - ۳۱۳۰)

### ادامه فراز اول دعا:

خدایا ما را که در برابر منزلت تو خوار و بی مقدار هستیم بر ساحت قرب خود نزدیک فرما.

حضرت امام صادق(ع) فرمودند: جز این نیست که آداب دعا همان مدح است و سپس ستایش و بعد اقرار بگناه. آنگاه در خواست، همانا بخدا سوگند هیچ بنده ای از گناه بیرون نشده جز با اقرار به آن(کافی کتاب الدعاء- ۳۱۲۹)

علامه مجلسی(ره) می گوید: شاید مراد از مدح بیان آن چیزهایی است که دلالت بر بزرگواری ذات و صفات او دارد بدون ملاحظه نعمت و مراد به ستایش و ثناء: اعتراف به نعمتهای او و شکر گذاری بر آنهاست.(همان)

تنها راه نجات انسان شناخت نعمتها و شکر گذاری بر نعمتهای الهی است و کوتاهی در آن انسان را خوار و بی مقدار می سازد برای نزدیک شدن به ساحت قرب الهی با تضرع و زاری و اقرار به گناهان از رحمت الهی بهتر و بیشتر بر خوردار گردیم.

### صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَ لَا تَفْضَحْنَا لَدَيْكَ

بر محمد و خاندانش درود فرست و ما را نزد خود رسوا مکن.

#### پاسخ:

حضرت رضا(ع) فرمود: مثل استغفار (ریختن گناهان) چون برگی است بر درختی که در فصل پائیز آن درخت بجنبند و آن برگ بریزد و کسیکه از گناهی استغفار کند و باز آنرا انجام دهد مانند کسی است که پروردگار خود را مسخره کند(۳۲۰۹- علی بن ابراهیم عن یاسر عن الرضا(ع) - اصول کافی - کتاب الدعاء)

برای دور ماندن از رسوایی دنیا و آخرت باید اعتقاد را تقویت کرد. چگونه؟

#### درسی از آیت الله مصباح یزدی:

اعتقادات ما در اصول دین و مذهب خلاصه می شود. کسی که به این پنج اصل ایمان داشته باشد مومن و شیعه است؛ اما اگر کسی به یکی از اصول سه گانه دین معتقد نباشد، منکر ضروری و از دین خارج است و کسی که به یکی از دو اصل مذهب اعتقاد نداشته باشد، از تشیع خارج است. بنا بر این جایگاه آخرت در نظام عقیدتی ما اعتقاد به این مسأله است که انسان بعد از مرگ زنده می شود و نتایج اعمالش را می بیند.

آیا این اعتقاد ارتباطی با نظام ارزشی ما هم دارد؟ جواب این پرسش مثبت است؛ چون اعتقاد به خدای یگانه از یک سو، و اعتقاد به قیامت از سوی دیگر نقش بسیار مهم و تعیین کننده ای در نظام ارزشی ما دارند. همه ما می دانیم کسی که معتقد به قیامت نباشد رفتارش با کسی که معتقد به قیامت است، تفاوت دارد. چگونه؟ فرد معتقد به قیامت می داند کارهایش حساب و کتاب دارد و روزی باید جواب همه آنها را بدهد. از همین رو انگیزه دارد که کار خوب انجام دهد و کار بد را ترک کند. اما اگر کسی صرف نظر از ایمان به خدا، به آخرت اعتقاد نداشته باشد، می گوید کسی به اعمال ما رسیدگی نخواهد کرد و اگر پاداش و مجازاتی هم در کار باشد، در همین دنیا است(آیت الله مصباح یزدی). و این رسوایی دنیا و آخرت است.

بنابراین، در مقام ارزش گذاری کارها باید این نکته را هم در نظر بگیریم که هر کاری چه آثاری در زندگی ابدی ما خواهد داشت و فقط به منافع و لذت دنیوی آن اکتفا نکنیم. برخلاف بعضی از مکاتب اخلاقی که ملاک ارزش را لذت می دانند که

در واقع انکار نظام ارزشی و اخلاقی است؛ چون هر کس هر چه را دوست داشته باشد، انجام می‌دهد. اما نظام اخلاقی اسلام مبتنی بر نظام عقیدتی است که در مقام سنجش ارزش یک عمل، علاوه بر آثار دنیوی آن، تأثیرش در زندگی ابدی را نیز ملاحظه می‌کند. بدون چنین ملاکی قضاوت‌های ارزشی ما غلط است و مبنای عقلانی ندارد. تقسیم‌بندی رفتارهای خوب و بد در دین بر اساس این محاسبات است. این برخلاف بسیاری از نظام‌های ارزشی دنیاست که بهترین آنها ملاک خوبی و بدی را مدح و ذم عقلا می‌دانند؛ اگر عقلا کاری را ستودند، به نظر آنها این کار خوب است و اگر کاری را نکوهش کردند، آن کار بد است. در این نظام ارتباط رفتار با آخرت جایگاهی ندارد. اما این‌که عقلا چه کسانی هستند، ملاک ارزش حکم‌شان چیست، چه اموری را برای قضاوت خود باید در نظر بگیرند و مسایلی از این قبیل، مشخص نیست. هر چه را مردم خوب بدانند، خوب است. روشن است که چنین نظامی ضعیف است و مبنای عقلانی کافی ندارد؛ زیرا در مقام سنجش و ارزش‌گذاری یک رفتار باید همه آثارش را تا ابد در نظر گرفت و از آنجا که خود ما نمی‌توانیم از عهده چنین محاسباتی برآییم، به دین احتیاج داریم.

### تأثیر ایمان به معاد در رفتار

بنا بر این، از یک سو ما باید اعتقاد داشته باشیم که عالم دیگری خواهد آمد؛ از سوی دیگر باید ببینیم این اعتقاد در رفتار ما و نظام ارزشی ما چه تأثیری دارد. این یکی از اصلی‌ترین اعتقادات ماست که قرآن کریم در آیات متعددی بر آن تأکید می‌کند: **وَمِنَ النَّاسِ مَن يَقُولُ آمَنَّا بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَمَا هُمْ بِمُؤْمِنِينَ \* يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَمَا يَخْدَعُونَ إِلَّا أَنفُسَهُمْ وَمَا يَشْعُرُونَ** (بقره ۸-۹) کسانی ادعا می‌کنند به خدا و روز قیامت اعتقاد دارند، اما دروغ می‌گویند و قصد دارند خدا را فریب بدهند؛ در صورتی که خود را فریب می‌دهند.

همه ما می‌دانیم که ایمان به آخرت یکی از اصلی‌ترین اعتقادات ماست که بدون آن شخص، کافر است؛ اما این اعتقاد چه مقدار در عمل ما اثر دارد؟ قرآن کریم در این زمینه تعبیر جالبی به کار می‌برد و می‌فرماید: **لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ** (احزاب ۲۱) کسانی که به پیغمبر صلوات‌الله‌علیه و آله تأسی می‌کنند، امیدوارند که روز قیامت در پیشگاه الهی حاضر شوند. این امید احساس زنده‌ای است، و غیر از اعتقاد به روز قیامت است. آدمی مطالب فراوانی را می‌داند، اما از بسیاری از آنها غافل است و به آنها توجه ندارد؛ تا زمانی که به او تذکر داده شود. این دانستن غیر از امیدی است که اعتقاد را در ذهن و دل انسان زنده نگه می‌دارد و موجب می‌شود آن اعتقاد منشأ اثر باشد. کسانی که امیدوارند در پیشگاه الهی حاضر شوند و در آخرت پاداش اعمال‌شان را بگیرند، باید به پیغمبر اکرم صلوات‌الله‌علیه و آله تأسی کنند. شاید منظور از «ظن» در آیه دیگری که می‌فرماید: **الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُم مُّلاقُوا رَبِّهِمْ** (بقره ۴۶) چنین حالتی باشد، نه ظن در مقابل شک و یقین.

پس اگر اعتقاد ما به قیامت زنده باشد و در اعماق قلب ما، زیر پرده‌هایی از حجاب پوشیده نمانده باشد، می‌تواند در اعمال ما منشأ اثر باشد و هر قدر این اعتقاد با طروات‌تر و حضورش در ذهن ما بیشتر باشد، بیشتر در رفتار ما اثر خواهد داشت. بالاترین ضمانت اجرایی برای عمل به دستورات شرع و عمل به قوانین معتبر، همین اعتقاد به روز قیامت و رسیدگی به نتیجه اعمال و توجه داشتن به این اعتقاد است؛ همچنان‌که فراموش کردن آن باعث آلوده شدن انسان به گناهان می‌شود. شاید اگر از بسیاری از کسانی که به عذاب گرفتار می‌شوند پرسیده شود، بگویند ما قیامت را قبول داریم؛ اما گویا چنین اعتقادی نداشته‌اند. چون حضوری در زندگی‌شان نداشته است. اعتقاد زمانی در نظام ارزشی و نظام رفتاری ما اثر مثبت خواهد داشت که در ذهن انسان حضور فعال داشته باشد؛ و فراموش کردن آن هم اثر منفی خواهد داشت.

ما باید نسبت به اعتقاد به خدا و ایمان به روز قیامت که در زندگی‌مان منشأ اثر می‌شود، اهمیت بدهیم و همیشه آنها را در ذهن خود زنده نگه‌داریم. ثمره این امر این است که انسان باید کارهای خوب انجام بدهد. در این‌جاست که مسأله تشخیص خوب و بد مطرح شده، به دنبال آن بحث نبوت می‌آید؛ باید پیامبرانی از سوی خدا بیایند و بگویند چه کاری موجب رضایت خداست. (آیت الله مصباح یزدی)

## چرايي مذمت دنياطلبي:

اما چرا دنياخواهي مذمت مي‌شود؟ چون كسي كه به دنبال دنيا باشد، بهره‌اي از سعادت آخرت نخواهد داشت. چنين كسي براي آخرتش كاري نكرده كه ثمره آن را در آخرت ببيند. او كارهايش را براي دنيا انجام داده و نتايج آن را ديده است. در روز قيامت به چنين كساني گفته مي‌شود: **أُدْهَبْتُمْ طَيِّبَاتِكُمْ فِي حَيَاتِكُمُ الدُّنْيَا وَاسْتَمْتَعْتُمْ بِهَا** (احقاف، ۲۰) در دنيا كارهايي را انجام داديد تا خوش باشيد؛ از نتايج كارهايتان هم بهره‌مند شديد؛ پس براي شما در آخرت بهره‌اي نيست. البته خداوند در آيه ديگري مي‌فرمايد: كساني هم كه براي دنيا كار مي‌كنند، به همه خواسته‌هايشان نمي‌رسند؛ **مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعَاجِلَةَ عَجَلْنَا لَهُ فِيهَا مَا نَشَاءُ لِمَنْ نُرِيدُ** (اسرا ۱۸) طالبان دنيا همه عالم را براي خودشان مي‌خواهند؛ بهترين كاخ‌ها، بهترين رياست‌ها، بهترين شادي‌ها و...؛ اما آيا به همه آنچه مي‌خواهند، مي‌رسند؟ اگر چنين بود، در اين عالم اين همه جنگ و دعوا نبود. تراحم بين خواسته‌هاي دنياطلبان موجب اين جنگ‌ها مي‌شود. اما كساني كه به دنبال آخرت هستند، خداوند بيش از آن چه فكر مي‌كنند، به آنها مي‌دهد؛ **لَهُمْ مَا يَشَاءُونَ فِيهَا وَلَدَيْنَا مَزِيدٌ** (ق ۳۵) هر چه بخواهند هست، حتي بيش از آن. چون بسياري از پادشاهي خداوند براي بشر قابل تصور نيست؛ از همين رو خواستشان به آن تعلق نمي‌گيرد. خداوند در آيه‌اي گروهي ديگر از آخرت‌جويان را چنين معرفي مي‌كند: **وَمَنْ أَرَادَ الْآخِرَةَ وَسَعَىٰ لَهَا سَعْيَهَا وَهُوَ مُؤْمِنٌ**؛ اما پادشاه آنها را با تعبير فراتر از مزد بيان کرده و مي‌فرمايد: **فَأُولَٰئِكَ كَانَ سَعْيُهُمْ مَشْكُورًا**. معني اين تعبير خيلي والاست و ما از درك آن عاجزيم. خداوند از بنده‌اي در مقابل عملي كه خود او توفيقش را داده، انگيزه‌اش را در او ايجاد کرده، راهش را به وي نشان داده و اسبابش را فراهم کرده تا اين بنده بتواند آن كار را انجام دهد، تشكر مي‌كند؛ **فَأُولَٰئِكَ كَانَ سَعْيُهُمْ مَشْكُورًا**؛ نپرس چه پاداشي به آنها مي‌دهد!

گفتيم در نظام ارزشي اسلام براي دنياطلبي و آخرت‌طلبي دو قطب مي‌توان تصور كرد: قطب اول اين است كه آدمي به طور كلي آخرت را فراموش، يا انكار كند؛ قطب ديگر هم اين است كه تمام توجه‌اش به آخرت باشد. مصداق بين چنين كساني كه در ميان افراد عادي كمتر پيدا مي‌شوند، انبيا و اوليا صلوات الله عليهم اجمعين هستند؛ شايد بعضي از تربيت‌يافتگان مكتبشان هم، چنين باشند. اما اكثر افراد، بين اين دو قطب‌اند؛ گاهي به ياد آخرت‌اند؛ گاهي نيز آن را فراموش مي‌كنند. اين جاست كه بايد سعي كنيم اعتقاد به آخرت را زنده نگاه داريم و دائماً به آن توجه داشته باشيم تا در اعمال ما مؤثر باشد. در روايت نيز نقل شده كه **أَكْبَسُ النَّاسِ مَنْ كَانَ أَشَدَّ ذِكْرًا لِلْمَوْتِ** (من لا يحضره الفقيه، ج ۴، ص: ۳۹۵). زيركترين مردم كسي است كه بيشتر به ياد مرگ باشد. زيرا زماني كه انسان به ياد مرگ و حساب و كتاب روز قيامت است، اعمالش را درست انجام مي‌دهد، و به زندگي‌اش درست رسيدگي مي‌كند. اين، زيركي است. اما زماني كه مرگ را فراموش كرد، گرفتار جهل و غفلت مي‌شود. چنين كسي كياست و زيركي ندارد و فريب مي‌خورد. بنا بر اين ما بايد ببينيم چگونه ياد مرگ و قيامت بيشتر در ذهن‌مان باشد تا رفتارهايمان بر اثر آن اصلاح شود.

## ابعاد آخرت طلبی

بحث ديگري كه به دنبال اين مسأله مطرح مي‌شود اين است كه آيا اهميت دادن به آخرت فقط در مسائل شخصي است، يا در جنبه‌هاي اجتماعي هم اين مسأله مطرح است؟ آيا ما غير از اين كه بايد خودمان به فكر قيامت باشيم، بايد ديگران را هم به فكر آخرت بيندازيم؟ آيا كساني مسئوليت قانوني و رسمي دارند براي اين كه مردم به آخرت بيانديشند؟ آيا دولت هم وظيفه‌اي در اين زمينه دارد، يا به قول بعضي، اين كار مربوط به متوهمين و بيكاره‌هاست؟! آيا در نظام اسلامي مسئوليت يادآوري آخرت و تنظيم روابط بين افراد به گونه‌اي كه براي آخرت مفيد باشد، جزء وظيفه دولت و مسئولين و متعهدين اجتماع هست؟ البته تبين وظيفه و مسئوليت‌هاي دولت در جامعه اسلامي و رابطه دولت و ملت بحث گسترده‌اي است كه بايد در فلسفه سياست بررسی شود.

آنچه به بحث ما مربوط مي‌شود اين است كه آيا در نظام ارزشي اسلام كه براي زنده نگاه‌داشتن ياد آخرت اهميت قابل است، حد واجبي براي اين امر مشخص شده كه اگر نباشد، افراد خسارت مي‌بينند؟ يا يادآوري مرگ هم از فضائلي است

که هر چه بیشتر باشد، بهره آدمی از ثوابش افزایش خواهد یافت؟ آیا می‌توان گفت غفلت از مرتبه‌ای از یاد آخرت مساوی با انکار دین است و فراموش کردن آن تدریجاً انسان را به کفار ملحق می‌کند؟

اعتقاد به آخرت (و اعتقادات دیگر) آن‌چنان در رفتار آدمی مؤثر است که تعجب انسان را برمی‌انگیزد. با دقت در آیات قرآن می‌توان مواردی از این امر را مشاهده کرد. به عنوان مثال قرآن می‌فرماید: بعضی از مردم زمانی که نام خدا به‌تنهایی برده می‌شود، ناراحت می‌شوند و اشمئزاز پیدا می‌کنند؛ **وَإِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَحْدَهُ اشْمَأَزَّتْ قُلُوبُ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ** (زمر ۴۵) کسانی از بحث توحید، خداشناسی و خداپرستی ناراحت می‌شوند که اعتقاد به آخرت ندارند؛ نه تنها از این بحث‌ها استقبال نمی‌کنند، بلکه از آن مشمئز می‌شوند! مگر نشنیده‌اید کسانی می‌گویند: بی‌سوادها و بیکارها به دنبال این حرف‌ها هستند! ببینید آمریکا به کجا رسیده! آن‌وقت ما دلمان به انقلاب خوش است!

علت این اشمئزاز از بحث درباره خدا و خداشناسی و توحید این است که ایمان به آخرت ندارند. یعنی انکار آخرت، یا ضعف ایمان به آخرت باعث می‌شود اعتقاد به توحید هم ضعیف شود. عدم اهتمام به آخرت، توحید را هم از انسان می‌گیرد، و نه تنها زندگی دنیا را خراب می‌کند، سعادت آخرت را هم از او سلب می‌کند و او را به عذاب شدید مبتلا می‌گرداند و به خزی و رسوایی دنیا هم مبتلا می‌شود. صلی الله علی محمد و آله الطاهرين.

**اللَّهُمَّ أَعِنَا عَنْ هَبَةِ الْوَهَّابِينَ بِهَيْتِكَ، وَ اكْفِنَا وَخْشَةَ الْقَاطِعِينَ بِصِلَتِكَ حَتَّى لَا تَرْغَبَ إِلَيْنَا أَحَدٌ مَعِ بَدَلِكَ، وَ لَا تَسْتَوْحِشَ مِنْ أَحَدٍ مَعِ فَضْلِكَ.** (فراز دوم)

خدایا، ما را به لطف بخشش خود، از بخشش بخشندگان بی‌نیاز گردان، و با پیوند خویش ما را از هراس پیوند گسستن دیگران دور ساز، تا با وجود بخشش تو، از دیگران چشم بخشش نداشته باشیم، و با وجود احسان تو، از تنگ چشمی ایشان به هراس نیایم.

لطف الهی یعنی صفت الهی یعنی خداوند لطیف است؛ لطیف در معنا چیست؟

پاسخ:

لطیف در حق تعالی مراد قلبیت و نازکی و کوچکی نیست بلکه مراد نفوذ در اشیاء و امتناع از درک شدن است. یعنی همه چیز را خداوند درک می‌کند و چیزی او را درک نمی‌کند. خداوند لطیف است؛ پس مراد به لطیف در اسم خدا اخبار از این است که وجود حق خفاء یافته از نظر خلق، پس عقل از درک آن منقطع شده و در طلب آن زوال یافته، پس از آن عود کرده در حالتی که به چیزی از آن نرسیده و وهم نیز درک آن ننموده پس لطافت خداوند، از این که درک شود به حدی و معنی شود به وضعی ولیکن مراد از لطافت در مخلوق قلت و کوچکی است. (عیون الاخبار الرضا- ص ۱۲۱- مرحوم شیخ صدوق)

پس در این فراز از خشم خداوند به سوی لطف الهی حرکت می‌کنیم تا ما را از خود دور نکند زیرا اگر تمام وجود انسان تسلیم لطف الهی شود و لطف الهی شامل حال انسان گردد اودر دین و معنویات و زندگی دنیا و آخرت سالم خواهد ماند زیرا هدایت الهی مرتبه بالاتر و اوج کمال است که نصیب هر بنده شایسته می‌شود.

آیا می‌شود از رحمت خدا و بخشندگی او جدا ماند؟ طریق بی‌نیازی از دیگران چیست؟

پاسخ:

الهی لاتکلنی الی أنفسنا طرفة عین ابدأ - خدایا به یک چشم بهم زدن مرا بخود وامگذار.



با توجه به اینکه هدایت و ضلالت از اراده الهی انجام می‌گیرد و منشأ آن نیات و اعمال خوب و بد ما است و از جمله عوامل تأثیر گذار در اعمال ما، امداد و عنایت الهی است. اگر خدای متعال، لحظه‌ای ما را به خود واگذارد، لغزش‌ها و تقصیرهایی از ما سر خواهد زد که ممکن است موجب هلاکت قطعی گردد یا جبران آن آسان نباشد.

بدترین این لغزش‌ها، لغزشی است که در هنگام مرگ ممکن است به سراغ انسان آید و سوء عاقبت و عقاب اخروی را به دنبال داشته باشد از این رو، یکی از دعاهای معصومین (علیه السلام) برای پیشگیری از اینگونه لغزش‌ها این بود که خدا آنها را به خود واگذارد.

دعایی که این مضمون را در بر دارد به دو گونه نقل شده است:

(أ) در روایتی چنین آمده است :

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: ام سلمه شنید که پیامبر (صلی الله علیه وآله) در دعاهای خود می‌گویند اللهم و لا تکلنی الی نفسی طرفة عین أبدا

ام سلمه از پیامبر (صلی الله علیه وآله) درباره این دعا، سؤال کرد پیامبر (صلی الله علیه وآله) فرمودند: ای ام سلمه، چه چیز مرا در امان نگه می‌دارد؟! تنها، به این دلیل که خدا، یونس بن متی را به خودش وا گذاشت کاری از او سرزد که زد. (بحار الانوار ج ۱۴ ص ۳۸۴)

برای درک مطلب، بهتر آنست از زبان حضرت امیرالمؤمنین (ع) حقایق را جویا باشیم:

" او خدایی است که بی‌نیاز است، اندیشه‌ها به ریشه و کنه ذاتش پی‌نبرد. فهم‌ها غرق در اویند. از تمثّل و تجسم دور است. خردها از احاطه بر او ناامیدند. دریا‌ها در اشاره کنه ذاتش خشک شده‌اند. جنگ و مناظره دشمنان در باره تعریف قدرت او از بلندی به سوی پستی گراییده است. او یکی است در مقابل عدد ولی همیشگی است نه در مقابل زمان، ثابت و استوار است اما نه بواسطه چیزی. " خداوند تعالی محل احسان و بخشش است او از احسان و بخشندگی خود خسته نمی‌شود، ولی چرا بندگان به دیگران نیازمندند و بیشترین نیازمندیهای خود را با مردم عادی مطرح می‌کنند؟

بهتر است بگوییم که خودشناسی خداشناسی است و انسان در این شناخت دلیل و خوار است پس ضعف ایمان و ورود جهل در وجود انسانها آنها را بسوی دیگران سوق می‌دهد. شیطان نیز در کمین انسان سنگرها ساخته و از هر طرف به قصد فتنه به سوی انسان تیرپرتاب می‌کند که شاید او را به تدریج از پای درآورده و مقاومت را از او سلب کند تا طعمه‌ای آماده برای او باشد. و برای هر کس دام‌های مختلفی گسترانیده و او را از طریق خاصی صید می‌کند. یکی را در دام شهوت، غضب و خودخواهی‌ها و کسب رتبه و مقام اسیر می‌کند و پیوسته او را دستخوش فراز و نشیب‌های هوی و هوس قرار می‌دهد تا عمر تباها شده را به آخر برساند و این مبانی از تعریف " الهی لا تکلنی الی نفسی طرفة عین أبدا " خارج است.

دل چون به غیر خدا بند شود او به ناپایداری که قرین عجز و تنگ نظری است ارتباط یافته است که گاهی او خوف زوال داشته، مانع از عنایت به این مسکین است و گاهی با توهم نقصان دست از عطا برگیرد و به بخل گراید و گاهی هم اغراض خاص و همی مانند طلب تملق و چاپلوسی و تحقیر نیازمندان به محرومیت آنان می‌انجامد. و لذا در دعای ابوحمزه می‌فرماید: و لا تکلنی الی الناس فانهم یهینونّی ؛ یعنی خدایا مرا به مردم حواله نده که اینان مرا خوار خواهند کرد.

و اما اگر دل به خدای غنی مطلق ربط یافت نه خوف زوال و نه توهم نقصان و نه اغراض و همی نابجا در کار نخواهد بود، بلکه تکیه بر آن غنی مطلق آن چنان دل را آرام می‌کند که نظر بر غیر را دیگر حرام دانسته و کمترین رغبتی به دیگران نخواهد داشت ؛ زیرا به غنای مطلق تکیه زده و غنی‌ترین اغنیای عالم در مقابل او کمترین و ناچیزترین بحساب آیند.

اللَّهُمَّ عَرَفْنِي نَفْسَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسَكَ لَمْ أَعْرِفْ نَفْسَكَ  
اللَّهُمَّ عَرَفْنِي نَفْسَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسَكَ لَمْ أَعْرِفْ نَفْسَكَ

خدایا خود را به من بشناسان، زیرا اگر خود را به من نشناسانی فرستاده ات را نشناخته ام، خدایا فرستاده ات را به من بشناسان، زیرا اگر فرستاده ات را به من نشناسانی حجتت را نشناخته ام، خدایا حجتت را به من بشناسان، زیرا اگر حجتت را به من نشناسانی، از دین خود گمراه می شوم.

«يَعْرِفُونَ نِعْمَةَ اللَّهِ ثُمَّ يُنْكِرُونَهَا»  
«نعمت خدا را شناخته سپس انکار می کنند».

ایکاش در مرحله خضوع و خشوع نعمت خدا را سپاس می گذاریم و آنها را انکار نمی کردیم. ایکاش نعمت شناس باشیم تا نعمت الهی گریبانمان را نگیرد. ایکاش نعمت الهی را پاس می داشتیم تا دچار سلب توفیق نمی شدیم.

اگر به قدرت حضرت حق وصل شویم، نیروی محدود، اهرم بازو را به قدرت الهی مرتبط کرده و به نیروی لایزال او دست توکل زده و از هیچ قدرتی هراس نخواهیم داشت. یکی از اسرار، بلکه سر الاسرار مکتب انبیا که پیوسته با کمترین امکانات در مقابل عظیم ترین قدرت های زمان خود می ایستادند این بود که با علم و آگاهی به قدرت خدای متعال و اطمینان به یاری او آن چنان شجاعانه اقدام می کردند که مایه حیرت نادان های زمان قرار می گرفت. پیامبر گرامی اسلام با نیروی الهی در برابر هر منافق و مشرک می ایستاد و پیروزی را کسب می کرد.

اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَ كِدِّ لَنَا وَ لَا تَكِدْ عَلَيْنَا، وَ امْكُرْ لَنَا وَ لَا تَمْكُرْ بِنَا، وَ ادِلْ لَنَا وَ لَا تُدِلْ مِنَّا. (فراز سوم)

خدایا، بر محمد و خاندانش درود فرست و کارها را چنان تدبیر کن که به سود ما باشد، نه به زیان ما، و چنان مکر و ترفند نما که به سود ما باشد، نه به زیان ما. ما را به پیروزی رسان و آن را از ما باز مسیتان.

معنای مکر چیست؟ مکر الهی و مکر بشر چه تفاوتی با هم دارد؟

پاسخ:

مکر در لغت "تدبیر" است. اعم از آنکه در کار بد باشد و یا در کار خوب. در مفردات می گوید: مکر آنست که شخص را بحیله ای از مقصودش منصرف کنی آن دو نوع است مذموم و ممدوح. ممدوح آنست که از آن کار خوبی مراد باشد و مذموم بعکس است. در المنار گفته: مکر در اصل تدبیر مخفی است که مکر شده را به آنچه گمان نمی کرد می کشد و اغلب در تدبیر بدکار می رود. خداوند در قرآن می گوید: استکبارا فی الارض و مکر السئیء الا باهله: (فاطر ۴۳) لفظ السئیء می رساند که مکر فی نفسه گاهی سیئی است و گاهی حسن - در بسیاری از آیات آنگاه که نسبت مکر بخدا داده شده مکر در مرتبه ثانی است یعنی اول مکر بدکاران در مقابل دین حق و دستور خداوند است سپس مکر خدا و آن دو جور است مجازات و غیر آن "ویمکرون و یمکرالله و الله خیر الماکرین" (انفال ۳۰) مراد از "یمکرون" حیله و تدبیر مشرکین است. که میخواستند حضرت رسول (ص) را بکشند یا زندانی کنند و یا تبعید نمایند و مراد از "یمکرالله" تدبیر خداوند است که آن حضرت را مأمور به هجرت نمود. ایضاً در آیه "و مکروا و مکرالله و الله خیر الماکرین" (آل عمران-۵۴) مراد از مکر اول حیله یهود است در باره کشتن عیسی (ع) و مراد از مکر الله نجات دادن عیسی از دست آنهاست.

مکر بخدا همان تدبیر خدا و تقدیراتی است که منجر بحرمان و عذاب بدکاران می شود و آن در مرتبه ثانی از خدا ممدوح است که مقتضای عدالت جز آن نیست و گرنه بدکار و نیکوکار از هم شناخته نمی شوند پس آن مکر ممدوح است زیرا که عدالت است. نتیجتاً تدبیر کلی مال خداست و تدبیر دیگران در مقابل تدبیر خدا هیچ است و کاری از پیش نمی توانند

برد. (قاموس القرآن - سید علی اکبر قریشی - دارالکتب الاسلامیه)

امام صادق(ع) فرمودند: کسی که چیزی از مؤمنی نقل کند با این هدف که او را رسوا کرده و شخصیتی را از بین ببرد تا از چشم مردم بیفتد خدای عزوجل او را از سرپرستی خود خارج و به سرپرستی شیطان وارد می نماید (عقاب الاعمال- شیخ صدوق)

**اگر تدبیر های بشر ضرری به اسلام برساند ، عواقب آن چه خواهد بود؟**

**پاسخ:**

امیر المؤمنین علی(ع) فرمودند : خداوند عزوجل طایفه "مرجنه" (مسلمانانی که عقاید انحرافی در زمان امیرالمؤمنین (ع) پیدا کردند) و پیشوای آنها را کور محشور می نماید.

بعضی از کفار می گویند : همه امت محمد(ص) کور هستند . به آنها گفته خواهد شد ، اینها از امت محمد(ص) نیستند . اینها عقاید اسلامی را تغییر داده ، خود نیز تغییر کردند و احکام را دگرگون ساخته خود نیز دگرگون شدند.(ثواب الاعمال و عقاب الاعمال- شیخ صدوق)

**وَ اَدِلْ لَنَا وَ لَا تُدِلْ مِنَّا.(ادامه فراز سوم)**

ما را به پیروزی رسان و آن را از ما باز مستان.

**چه کسانی نزد خداوند پیروز اند؟**

**پاسخ:**

۱- امام صادق(ع) فرمود: براستی که دوست داشتن ما اهل بیت گناهان را از بندگان می ریزد همانگونه که باد شدید برگ را از درخت می ریزد (ثواب الاعمال- شیخ صدوق)

دوستی اهل بیت تنها راه نجات بشریت است از ظلم و جور و تعدی- اگر رسول خدا علی(ع) را وصی خود قرار داد برای اینست که بشر در ادامه طریق گمراه نشود و از خط صراط مستقیم باز نماند.

پیروز میدان الهی کسانی هستند که راه ولایت را گم نکنند. از ابی بحر مرویست که گفت " ابوالخلد همسایه من بود و از او شنیدم که می گفت و سوگند یاد می نمود بر گفته خود که این امت هدایت نشوند تا این که دوازده نفر جانشین در آنها بوجود آیند که تمام آنها عمل کنند به راه راست و دین حق- (عیون الاخبار الرضا - شیخ صدوق ترجمه ص ۴۲)

**مستضعفان چه کسانی هستند؟**

**پاسخ:**

۲- اسماعیل جعفری از امام باقر(ع) پرسید: از آن دینی که بر بندگان روا نیست و نسبت بدان نادان باشند آن چه دینی است؟ امام فرمودند : دین وسیع است ، ولی خوارج از روی نادانی خودشان بر خود تنگ گرفتند و گرفتار شدند، عرض کردم : قربانت اجازه می دهید تا دین خود را برای شما بازگویم؟ فرمودند: آری

عرض کردم: گواهی می دهم که معبودی جز خدای یگانه نیست- گواهی می دهم که محمد(ص) بنده و رسول اوست و آنچه از جانب خداوند آورده است قبول دارم، و شما را دوست دارم و از دشمن شما و هر که بر شما بزرگی کند و استیلاء خواهد و خود را امیر و حاکم بر شما بداند و حق شما را به ستم بگیرد، بیزارم.

حضرت فرمودند: تو نادان نیستی تو همان را که ما بر آن هستیم و معتقدیم گفتی.

سؤال شد: آیا کسی که این امر را نداند و از عذاب الهی یا خلود در آتش سالم ماند؟

فرمودند: نه! مگر مستضعفان .

عرض کردم: آنان چه کسانی هستند؟

فرمودند: زنان و فرزندان شما! سپس فرمود: آیا ام ایمن را دیده ای؟

همانا من گواهی می دهم که او اهل بهشت است در صورتیکه آنچه شما بر آنید و به آن معتقد هستید ، نمی دانست.(اصول کافی- ج ۴ ترجمه- ۲۸۸۵)

**قائلین به جبر آیا مورد پذیرش الهی هستند؟**

**پاسخ:**

۳- از علی بن موسی الرضا(ع) سؤال شد؛ معنی لا جبر ولا تفویض چیست؟

امام فرمودند: کسی که گمان کند که خداوند افعال ما را مرتکب می شود پس از آن ما را بر آن افعال عذاب می کند قائل به جبر است؛ و کسی که گمان کند که خدای عزوجل خلق و رزق را تفویض به حجج خود نموده ، قائل به تفویض است و کسی که قائل به جبر باشد کافر است و کسی که قائل به تفویض باشد مشرک است.

پس سؤال شد ، یابن رسول الله پس معنی امر بین الامرین چیست؟

فرمودند: یافتن راه است به آنچه به آن امر فرموده اند و ترک کردن آنچه از آن نهی فرموده اند.

**چه کسانی نزد خداوند پیروز نیستند؟**

**پاسخ:**

جابر بن سمره مرویست که گفت : من با پدرم نزد پیغمبر بودیم و من شنیدم از آن جناب که فرمود: بعد از من دوازده نفر امیر شوند پس از آن آواز خود آهسته کرد ، من به پدرم گفتم که چه چیز بود که رسول خدا آهسته فرمود. پدرم گفت: که ایشان فرمود: تمام ایشان از قریش هستند.

در حدیث دیگر در پاسخ به سؤال جابر (که بعد از اینها چه واقع شود)؟ فرمود: بعد از اینها فتنه و قتل باشد.

خدایا و هابیون امروز و دیروز همان نسلی از قریش هستند از صاحبان قتل و فتنه ، آنان را بر حق مداران و حق جویان پیروز مگردان.(همان)

**اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَ قِنَا مِنْكَ، وَ احْفَظْنَا بِكَ، وَ اهْدِنَا إِلَيْكَ، وَ لَا تَبَاعِدْنَا عَنْكَ  
إِنَّ مِنْ تَعِهِ يَسْلَمُ وَ مِنْ تَهْدِهِ يَعْلَمُ، وَ مَنْ تُغْرِبُهُ إِلَيْكَ يَغْنَمُ.(فراز چهارم)**

خدایا بر محمد و خاندانش درود فرست و ما را از خشم خود نگاهدار و در پناه خود بدار و به سوی خود راه نمای و از خود دور مفرمای؛ زیرا هر کس که تو او را در پناه خود آری، به سلامت مآند، و هر کس که تو او را راه بنمایی، دانا شود، و هر کس که تو او را به خویش نزدیک کنی، بهره مند گردد.

**اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَ قِنَا مِنْكَ،**

خدایا بر محمد و خاندانش دورد فرست و ما را از خشم خود نگاهدار

غضب چیست؟ قهر و غضب الهی چه معنایی دارد؟

پاسخ:

غضب خشم است . جوشش و غلیان در خون قلب است برای انتقام.

"ولمّا سکت عن موسی الغضبُ أخذالواح .....(اعراف ۱۵۴) چون خشم موسی فرونشست الواح را گرفت.

غضب خدا یعنی چه؟

لغت غضب در آیات الهی نشان می دهد که غضب الهی همان انتقام و بلا و عذاب است که در اثر بدکاری در دنیا و آخرت بر شخص وارد می شود. محققین گویند: چون غضب در خدا بکار رود مراد از ان فقط انتقام است. غضب خدا طبق آیات عقاب او است و هر که پندارد خدا از حالی بحالی در می آید او را با صفت مخلوق وصف کرده است . خدا را چیزی تحریک نمی کند تا او را تغییر دهد. رضای خدا ثواب خدا و سخط خدا انتقام خداست، بی آنکه چیزی در خدا تأثیر کرده و او را از حالی بحالی در آورد. (قاموس قرآن-سید علی اکبر قریشی- دارالکتب الاسلامیه)

اگر بخواهی از خشم الهی دور بمانی چند نکته را در زندگی مدّ نظر داشته باش : به ندای الهی گوش فرا ده، بیراهه نرو ، دین خود را نگهدار، در برابر ناملایمات و گرفتاریها، مقاوم و صبور باش، تا لطف الهی و توفیقات روز افزون شامل حالت گردد. بدان که مقرب بودن در درگاه الهی غنیمت ساز است . و چه خوب است انسان بجای آن که چشم خود را به دست دیگران متوجه کند، این چشم را به کرم همان کسی داشته باشد که جمله هستی ها و همه ی نعمت ها و تمام ثروت ها از آن اوست که او می تواند به همه عطا نماید.

" یا ایها الناس انتم الفقرا الی الله و الله هو الغنی الحمید،" ای مردم شما نیازمند به خداوند هستید و خداوند بی نیاز و بزرگوار.

" لولا فضل الله علیکم مازکی منکم من احد . " و اگر فضل خدا بر شما نبود هیچ کدام پاکیزه نمی شدید.

امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمود: هر کس بر خداوند توکل کند سختی ها بر او آسان شود. (تصنیف غرر و درآمدي ص ۱۹۷، کلام ۳۸۸۸). و هر کس (بر خداوند) توکل کند اندوه نخواهد داشت. تصنیف غرر و درآمدي ص ۱۹۷، کلام ۳۸۸).

مجازات به خشم آوردن خدا :

امام علی(ع) فرمودند: هنگامی که خداوند عزوجل بر شهری خشم گیرد و عذابی بر آنان نازل نکند ، نرخهای آنان بالا رفته و عمرهای آنان کوتاه شده ، تاجران آن سود نبرند ، میوه هایشان پاکیزه نشده ، رودهایشان کم آب ، باران بر آنها نباریده ، و بدانشان بر آنها مسلط می شوند.(عقاب الاعمال- شیخ صدوق)

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَكُفِّنَا حَدَّ نَوَائِبِ الزَّمَانِ، وَشَرَّ مَصَائِدِ الشَّيْطَانِ، وَ مَرَارَةَ صَوْلَةِ السُّلْطَانِ.(فرار پنجم)

## خدایا بر محمد و خاندانش دورد فرست و ما را از ناگواری‌های سخت روزگار و گزند دام‌های شیطان و خشمناکی سلطان کفایت کن

در جهانی که ما زندگی می‌کنیم، عالم ماده است و مبنای آن بر تزاخم‌ها، تضادها و اصطکاک هاست که هم چون فضایی که ملامال از سنگ‌های فضایی است، پیوسته معلق بوده و در عرصه‌ای وسیع در حرکت و تکاپو هستند و بسیاری از آنان با اصطکاک به همدیگر بحالت پودر و یا گاز و مایع در می‌آیند. در عالم ما نیز ناملايمات و جریان‌های موافق و اتفاقات متناسب بسیار است که گاهی ما از آنان به اتفاقات یاد می‌کنیم گاهی چند جرعه آب که بر زمین ریخته کافی است فردی را به زمین کوبد و برای همه عمر او را آفت زده کند و یا پوست میوه‌ای فرد را بلغزاند .

آنچه را که به عنوان مثل ذکر کردیم جزیی‌ترین اتفاقات است که از دسترس و قدرت و اختیار انسان خارج است جنگ‌ها، نزاع‌ها و کشمکش‌های زیادی در دنیا به طور غیر قابل پیش‌بینی در مرحله وقوع است و فقط خدای متعال می‌تواند انسان را از آن همه ناملايمات حفظ کرده و نجات دهد و چاره نداریم جز این که پیوسته از او درخواست کنیم که از مأموران نظام تکوینی این عالم به دور و در امان باشیم و از عافیت لازم به یمن رحمت و مغفرت او برخوردار گردیم.

و در جمله بعد، امام علیه السلام از مصاید شیطان به خدا پناه برده است. مصاید جمع مصیده است و مصیده به معنی ایزاری است که صیادان، به وسیله آن شکار خود را به دام می‌افکنند .

شیطان نیز در کمین انسان سنگرها ساخته و از هر طرف به قصد فتنه به سوی انسان تیری پرتاب می‌کند که شاید او را به تدریج از پای درآورده و مقاومت را از او سلب کند تا طعمه‌ای آماده برای او باشد. و برای هر کس دام‌های مختلفی گسترانیده و او را از طریق خاصی صید می‌کند. یکی را در دام شهوت، غضب و خودخواهی‌ها اسیر می‌کند و پیوسته او را دستخوش فراز و نشیب‌های هوی و هوس قرار می‌دهد تا عمر تباه شده را به آخر برساند و دیگری را در راه ریا و سالوس (چرب‌زبانی) گرفتار کرده و در غرور خود فروشی و فرومایگی سرگرم می‌کند .

از جمله وظایف يك مسلمان عبارتند از:

خدای را به یگانگی پرستش کند و موحدی مخلص باشد .

تقوای الهی پیشه سازد و آنچه خداوند به او دستور فرموده را (بی‌چون و چرا) انجام دهد و از نواهی وی پرهیز نماید

متمسک به سنت رسول خدا صلی الله علیه وسلم باشد و آن حضرت را مقتدای خویش دانسته از هرگونه بدعت و نوآوری در دین پرهیز کند .

همچنین از پیروان و یاوران شیطان که همانا اهل هوی و هوس‌اند اجتناب کند و به مخالفت با آنان برخیزد.

همواره با قلبی خاشع و خالصانه به ذکر خداوند مشغول باشد .

اذکار و ادعیه‌ای را که مقرر شده در اوقات و مکان‌های خاصی خوانده شود تا شخص مسلمان به وسیله‌ی آن‌ها از گزند شیاطین در امان بماند به شرح ذیل است :

اذکار صبحگاهان و شامگاهان:

(اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُهُ سِنَّةٌ وَلَا نَوْمٌ لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِّنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَلَا يَئُودُهُ حِفْظُهُمَا وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ . [البقرة: ۲۵۴]

اللَّهُمَّ إِنَّمَا يَكْتَفِي الْمُكْتَفُونَ بِفَضْلِ قُوتِكَ، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ اكْفِنَا، وَ إِنَّمَا يُعْطَى الْمُعْطُونَ مِنْ فَضْلِ جِدَّتِكَ، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ اعْطِنَا، وَ إِنَّمَا يَهْتَدِي الْمُهْتَدُونَ بِنُورِ وَجْهِكَ، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ اهْدِنَا. (فراز ششم)

خدایا، توانگران از نیروی تو توانگری دارند، پس بر محمد و خاندانش درود فرست و خود ما را توانگر ساز. بخشندگان از فراوانی بخشش تو می‌بخشند، پس بر محمد و خاندانش درود فرست و خود به ما بخشش کن. هدایت یافتگان در پرتو نور تو هدایت می‌یابند، پس بر محمد و خاندانش درود فرست و خود ما را هدایت فرما.

**فضل در لغت به چه معنایی است؟**

**پاسخ:**

فضل زیادت ؛ فضل در دو معنی بکار رفته : ۱- برتری ۲- عطیه و احسان و رحمت

فضل هم معنوی است (فماکان لکم علینا من فضل-اعراف ۳۹) و هم مادی(رزق)- فلو لا فضل الله علیکم و رحمته لکنتم من الخاسرین- بقره ۶۴)

فضل از مصادیق رحمت است و غرض از رحمت قبول توبه است. یعنی ای بنی اسرائیل اگر فضل خدا بر شما نبود در عقوبت شما تعجیل می کرد و اگر رحمتش در توفیق توبه نبود حتماً زیانکار می شدید.

**فضیلت انسان چیست؟**

**پاسخ:**

"ولقد کرّمنا بنی آدم و حملناهم فی البرّ و البحر و رزقناهم من الطّیّبات و فضلناهم علی کثیر ممن خلقتنا تفصیلاً"(اسراء ۷۰)

تکریم یعنی گرامی داشتن و محترم کردن است و آن ظاهراً بواسطه عقل و تفکر و اختیار است که خداوند به انسان عطا فرموده و بهمان وسیله لیاقت خلیفه الله بودن را پیدا کرده است.

**فاضل و مفضول کیست؟**

**پاسخ:**

فاضل کسی است که مروج شریعت اسلام و قرآن باشد ، چون علی(ع)، زیرا که او شریعت مستقل نداشته است. علی در راه شریعت بارها جنگید تا شریعت اسلام حفظ شود. علی(ع) بهنگام مرگ بدنش پر از زخمهای جنگی بود پس او فاضل است. مفضول کسانی هستند که حق علی را نادیده گرفته و در سقیفه خلافت را با توطئه غصب کردند و بنا را بر اجتهاد خود محکم کردند و در مقابل نص پیامبر ایستادند. آنگاه همین اجتهاد جعلی و باطل، آنها را در وادی بدعتها و باطل گرایي فرو برد؛ به گونه ای که تفسیر به رأی و دوری از عترت آنان را در ردیف دشمنان دین و اسلام قرار داد. آنان آنقدر در ظلم و چپاولگری و ستم به مردم و باطل گرایي پیش رفتند تا با فرقه های مختلف و عقاید ناسالم و کاذب انحراف در افکار جامعه اسلامی را پدید آوردند و زمینه انحراف جوانان مسلمان را فراهم کردند. جنگ نرم برای پیروزی دشمنان اسلام در زمان حاضر با فعالیت مسیحیت و صهیونیست و وهابیت شکل گرفت تا جهان را به تصرف خیالی خود در بیاورند ولی انسانهای غافل و بی ایمان نمی دانند که خداوند دینش را یاری می کند و دشمنان را نابود می گرداند. این وعده خدا در قرآن است

« إن ینصرکم الله فلا غالب لکم وإن ینخذلکم فمن ذا الذی ینصرکم من بعده و علی الله فلیتوکّل المؤمنون.

چه کسانی توانگر هستند؟ چه کسانی بخشنده هستند؟ چه کسانی هدایت می شوند؟

پاسخ:

پاسخ تمام این فضیلت‌های انسانی به دست خداوند است. "تَوَكَّلْتُ عَلَيْهِ" یعنی به او اعتماد کردم. طبری گفته: توکل بمعنی اظهار عجز و اعتماد بغير است و "تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ" واگذار کردن کار بخدا و اطمینان به تدبیر اوست.

توکل با "علی" متعدی شود به معنی اعتماد و تفویض امر باشد. توکل علی العزیز الرحیم "شعراء" ۲۱۷

توکل در سایه تلاش بنده است و در عین حال از خداوند بخواهیم که در کار ما کار سازی کند. و شرایط و اسباب را موافق مرام ما فراهم آورد. (قاموس قرآن)

حضرت علی(ع) می فرماید: حقیقت یقین در توکل است (میزان الحکمة- ری شهری)

توکل، اعتماد فرد مؤمن به خداست. توکل منشأ قویت قلب است. پیامبر(ص) می فرماید: اگر مردی با نیت درست بخدا توکل کند، احتیاج کارهای دیگران به او بیفتد.

لقمان به فرزندش سفارش کرد که به خدای عزوجل اعتماد کند. ابراهیم در آتش با توکل آتش را به گلستان تبدیل کرد.

ادب توکل:

مردی به رسول الله (ص) عرض کرد، زانوی اشترم را ببندم و بخدا توکل کنم یا رهائش بگذارم و توکل کنم؟ حضرت فرمود: زانوی را ببند و توکل کن. (همان)

درجات توکل:

امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمود: هر کس بر خداوند توکل کند سختی‌ها بر او آسان شود. (تصنیف غرر و درآمدي ص ۱۹۷، کلام ۳۸۸۸).

هر کس (بر خداوند) توکل کند اندوه نخواهد داشت. (تصنیف غرر و درآمدي ص ۱۹۷، کلام ۳۸۸).

امام کاظم(ع) فرمود: "ومن يتوكل على الله فهو حسبه" توکل کردن بر خدا درجاتی دارد یکی از آنها این است که در تمام کارهایت بخدا توکل کنی و هرچه با تو کرد از او راضی و خشنود باش و بدانی که او نسبت به تو از هیچ خیر و تفضلی کوتاهی نمی کند و بدانی که در این باره حکم حکم اوست پس با واگذاری کارهایت بخدا بر او توکل کن و در آن کارها و دیگر کارها به او اعتماد داشته باش.

(نور، ۲۱) خدایا هر که را تو سرپرستی کنی از خذلان دیگران در امان است و آن کس را که تو اعطا کنی اگر همه نسبت به او مانع خیر شوند، منقصتی (نقصان - کاستی) برای او پیش نیاید و هر کس را تو هدایت کنی اضلال گمراه کنندگان او را گمراه نکند؛ پس تو بر محمد و آلش درود فرست و به عزت و جلالت ما را از شر بندگان خود محفوظ بدار و با عطای خود بی نیازمان گردان و ما را در سبیل حق و هدایت با ارشاد خود قرار بده.

اطمینان بخود:

الهی لا تکنلی الی نفسی طرفة عین ابداء:



اطمینان بخود از دامهای شیطان است . بنده ای که خدا او را بخودش واگذاشته از راه راست به در رفته و بی راهنما حرکت می کند. و اگر به آباد کردن دنیا فرا خوانده شود می کوشد، و اگر به آباد ساختن آخرت دعوت شود تنبلی می ورزد.

### سرپرستی و ولایت در نظام اجتماعی:

در نظام جهان بینی اسلام هیچ کس جز خدا، رسول و جانشینان او به خودی خود حق ولایت و امر و نهی بر دیگری را ندارد. حال در اینجا دو مساله قابل طرح است:

**مساله اول:** سرپرستی در نظام اجتماعی و مدیریت که خدای متعال در این زمینه پیامبران و امامان خود را گسیل داشته که به دریافت و حیاتی، دستورات را از خدای متعال اخذ کنند و به مردم ابلاغ نمایند و در صورت عدم حضور آنان با ابلاغ به علمای متقی، عادل و صالح هر زمان، آنان را برای تبلیغ دستورات و فرمان های الهی نصب کند که همانند ستون دین نگهدار گستره آیین الهی باشند و پرواضح است که در صورت نبودن ولی منصوب از جانب خداوند متعال خیمه دین برپا نخواهد بود.

**مساله دوم:** ولایت و سرپرستی در نظام خلقت، نگهداری بندگان و روزی دادن به آن ها، رفع حاجات و برآوردن مهمات بنی آدم است که این سرپرستی جز از ناحیه خدا از شخص دیگری ساخته نیست و هر کس هم دست توانایی در این زمینه دارد از ناحیه خداوند متعال به او عنایت شده است. هیچ کس در این جریان عظیم از خود استقلالی نداشته و نخواهد داشت، بلکه جملگی آن ها ناتوان، ضعیف و محکوم سلسله حوادثی در این عالم هستند و فقط خداوند متعال است که حافظ، ولی و سرپرست می باشد و با ولایت و سرپرستی او هرگز محرومیت و ناکامی باقی نخواهد ماند و کسی را توان ضرر وارد کردن نخواهد بود.

و هم چنین کسی را که کرم و انعام الهی شامل او گردد، اگر همه عالم دست در دست هم داده که نعمت را از او سلب کنند هرگز نخواهند توانست، بلکه عدو شود سبب خیر، اگر خدا خواهد. پس هر چه را که او اراده کند، اعم از سرپرستی، اعطاء، هدایت، بی نیازی از غیر، مسلوك سبیل حق و وقوع آن قطعی بوده و هیچ کس معارض و مانع نتواند بود و کسی توان مقابله با خواست او را ندارد.

**اللَّهُمَّ إِنَّكَ مَنْ وَآلَيْتَ لَمْ يَضُرَّهُ خِذْلَانُ الْخَادِلِينَ، وَ مَنْ أَعْطَيْتَ لَمْ يَنْقُصْهُ مَنَعُ الْمَانِعِينَ، وَ مَنْ هَدَيْتَ لَمْ يُغْوِهِ إِضْلَالُ الْمُضِلِّينَ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ اَمْتَعْنَا بِعِزِّكَ مِنْ عِبَادِكَ، وَ اَعْنِنَا عَنْ غَيْرِكَ بِإِرْفَادِكَ، وَ اسْأَلْ بِنَا سَبِيلَ الْحَقِّ بِإِرْشَادِكَ.** (فراز هفتم)

خدایا، هر کس که تو یاورش باشی، یاری نکردن دیگران زیانش ندهد، و هر کس که تو عطایش بخشی، تنگ چشمی دیگران از او نکاهد، و هر کس هدایتش به دست تو باشد، فریب گمراهان پای او را نلغزاند

پس بر محمد و خاندانش درود فرست و ما را به عزت خویش از گزند بندگان در امان دار، و با بخشش خود، از غیر خودت بی نیاز گردان، و در پرتو هدایت خویش، ما را به راه حق انداز

پارسایی چیست؟ پارسایی در لغت چیست؟

**پاسخ:**

پاکدامنی، پرهیزگاری، تقوا، خدا ترسی، زهد، عفت، ورع:

از اقوال امیرالمؤمنین علی(ع) در مورد پارسایی نتایج ذیل حاصل می گردد:

- ۱- پارسایی بنیاد تقوی است.
- ۲- پارسائی بهترین مدد در کار دنیا و آخرت است.
- ۳- پارسائی بهترین همدم است.
- ۴- پارسائی عزت آور است و از طمع که خوارکننده است دور می باشد.
- ۵- پارسائی مانع ارتکاب حرامها می شود.
- ۶- سبب درست شدن دین و نفس ، پارسائی است.
- ۷- پارسائی چراغ رستگاری است
- ۸- پارسائی دور شدن از گناهان و پرهیز از حرام است.
- ۹- پارسائی ایستادن به هنگام شبهه است.
- ۱۰- پارساترین مردم دورترین آنها از خواهشها و نیازخواهی ها ست.(میزان الحکمه- ری شهری)

حضرت علی علیه السلام مردم روزگار خود را به چهار دسته تقسیم می کنند:

گروهی اگر دست به فساد نمی زنند، برای این است که جرئت و توان این کار را در خود نمی بینند و همچنین امکانات مالی ندارند. گروهی دیگر که امکانات و وسایل لازم را دارند، با تمام توان و نیرو به فساد می پردازند. دین را برای به دست آوردن مال دنیا تباه می کنند که یا رئیس و فرمانده گروهی شوند، یا به منبری بروند و خطبه بخوانند. چه بد تجاری که دنیا را بهای جان خویش بدانی. گروهی دیگر با اعمال آخرت، دنیا را می طلبند و با اعمال و کردار دنیوی خویش، در پی به دست آوردن مقام های معنوی آخرت نیستند. خود را کوچک جلوه می دهند. گام هایشان را ریاکارانه و کوتاه برمی دارند و دامن خود را جمع می کنند. خود را همانند مؤمنان واقعی می آریند و پوشش الهی را وسیله نفاق و دورویی و دنیاطلبی خود قرار می دهند. برخی دیگر که پستی و ضعف نفس و نداشتن امکانات، آنها را از به دست آوردن قدرت محروم کرده است، خود را به زیور قناعت آراسته و لباس زاهدان پوشیده اند. اینها هرگز از زاهدان واقعی نبوده اند. علت زهد این گروه، ناتوانی از به دست آوردن دنیا و نعمت های آن است.(پایگاه اطلاع رسانی حوزه)

**این قسمت از دعا بسیار آموزنده است برای کسب خودشناسی:**

زهد منفی، مانعی برای رشد روحی و معنوی افراد جامعه است و از پیشرفت فرهنگی و توسعه اقتصادی و صنعتی جامعه جلوگیری می کند. بدین ترتیب سبب تباهی و فساد اجتماع می شود. کسی که فریب دنیا را نمی خورد زاهد واقعی است.

انسان در زندگی دنیا باید به این حقیقت برسد که دنیا دار زوال و فناء و آخرت دار قرار و بقاء است. دنیا حقیر است پس چگونه انسان به دنیا دل میبندد و آخرت را فراموش می کند. چگونه به آنچه که بطور واقع و حتمی موجود می شود توجه ندارد و به آنچه که عدم است جان و مال و عرض و آبرو را فدا می کند. این انسان برای چه و به خاطر چه واقعیت های جهان موجود را در غالب دنیا قبول دارد و از آخرت که بینه های قرآنی و روایی زیادی آن را به تصویر می کشد و شواهد و دلائل متقن از بقاء آخرت دارد را قبول نمی کند. خداوند در قرآن کریم می فرماید: "اعلموا انما الحیوة الدنیا لعب

و لهو و زينة و تفاخر بينكم و تكاترفى الاموال ..... و ما الحيوۃ الدنيا الا متاع الغرور (۱۹ حدید). بدانید حیات دنیا بازی و سرگرمی و زینت و تفاخر است و در ادامه آیه ..... نیست دنیا مگر مایه فریب.

تقوی ، ترک محرمات ، قیام بر واجبات ، وقوف بر شبهات و بالاخره اخلاص در عمل ، و کسی که خود را در این موارد بزحمت اندازد و از آن بهره بگیرد در نتیجه قوای حیوانی اضعیف و قوای روحانی او قوی گردد پس "الزهد یخلق الابدان" زهد بدن را فرسوده می کند در برابر ناملازمات و حرامها و غیره ، و در عوض آن به نیروئی مجهز می کند که براساس آن قادر است معارف خود را کسب کند و اطاعت و عبادت الهی را در خود به تثبیت رساند، و نیروئی به عقلش می دهد تا آثار عجیبه از قبیل کرامات و خوارق عادات از او ظاهر گردد. زهد راه هدایت و بی نیازی به دیگران و یافتن حقیقت معنوی در مسلک زندگی دنیاست.

زمانی که کتاب امام علی(ع) از دیدگاه ابن ابی الحدید را ورق می زنی ، دیده میشود که در وصف علی می نویسد: او خاشع و فروتن بود . از علی ابن الحسین (ع) که در عبادت علی را زاهدترین فرد می یابی . او می نویسد: امام علی(ع) در عبادت عابدترین مردم بود در نماز و روزه و نوافل و انجام مستحبات بیشترین عبادات را داشت . در شب لیلة الهیر ( دو لشگر در صفین تا صبح کارزار داشتند ) در حالیکه تیر در اطرافش فرود می آمد ، بدون هیچ ترسی برنامه عبادتش ترک نشد و تو چه تصور می کنی در باره مردی که پیشانی او به علت طول سجده اش پینه بسته بود و هیبتش خاضع و عزتش به عالیترین حد رسیده بود، پرسیدند...؟! ! عبادت تو چه نسبتی با عبادت جدت دارد؟ فرمود: مثل عبادت جدّم نسبت به عبادت رسول خدا(ص).

تنها در زمان رسول خدا او بود که قرآن را حفظ کرد نه غیر او. امام علی (ع) اولین کسی بود که قرآن را جمع آوری کرد و در سیاست شدید السیاسه بوده و با احدی در جائیکه پای خدا در میان بود مدارا نمی کرد . علی زاهد بود و هرگز از طعامی سیر نگشت و خشن ترین خوراک و لباس را داشت . لباسش وصله دار و کفشش از لیف خرما و پیراهنش از کرباس بود که در صورت بلند بودن آستین مازاد آنرا با کاردی می برید و دیگر آن را نمی دوخت . و آنقدر آنرا می پوشید تا تارهای لباسش می ماند و دیگر پودی نمی ماند . خوراکش سرکه یا نمک و هنگام ترقی مقداری سبزی و بالاتر از آن اندکی از شیر شتر بود و جز اندکی از گوشت نمی خورد و می فرمود: شکمهایتان را قبور حیوانات قرار ندهید و با این حال قوی ترین و زورمندترین مردم بود و گرسنگی و کم خوردن از قوه و قدرتش نمی کاست . او دنیا را طلاق داد و اموالی که از سرزمینهای اسلامی غیر از شام می آمد همه را بین مسلمین تقسیم می کرد.

علی(ع) در جنگ جمل مروان بن حکم را که از دشمن ترین مردم و مبغض ترین آنان نسبت به او بود از او درگذشت زیرا با گذشت ترین آنان نسبت به افراد گناهکار بود . پیروزی علی(ع) در جنگ جمل یکطرفه ، و گذشت از دشمنان طرف مهم قضیه بود . در تاریخ دارد که زبیر که از یاران اهل بیت(ع) بود با بزرگ شدن فرزندش عبدالله او نیز دشمن علی(ع) شد و حضرت را علناً دشنام می داد و حضرتش بر او ظفر یافت و او را اسیر کرد و از او در گذشت و فرمود: " برو تو را نبینم" و چیزی بر آن نیفزود.

**اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاجْعَلْ سَلَامَةَ قُلُوبِنَا فِي ذِكْرِ عَظَمَتِكَ، وَفَرَاغَ أَبْدَانِنَا فِي شُكْرِ نِعْمَتِكَ، وَانْطِلَاقَ أَلْسِنَتِنَا فِي وَصْفِ مَنِّكَ.** (فراز هشتم)

خدایا، بر محمد و خاندانش دورد فرست و سلامت دل‌های ما را در یاد کرد بزرگی خود قرار ده، و آسایش بدن‌های ما را در سپاسگزاری نعمت خویش، و گویایی زبان‌های ما را در وصف آنچه به ما داده‌ای

سلامت پیوسته در مقابل انحراف از خلق امری فطری و طبیعی است که در زبان عموم به آن مرض می گویند. و سلامت هر چیز به حسب خود است. بیماری تن خروج حرارت بیش از حد لازم است و بیماری روح به دور افتادن از

فطرت اولیه خود می باشد؛ زیرا فطرت انسان خداپرست و فطرت توحیدی است که هرگز باور ندارد، پدیده ای بی پدید آورنده باشد و یا اثری بدون مؤثر به وقوع بپیوندد.

بنابراین اگر بت پرست به دنبال پرستیدن بت معبود خود است، به دنبال هوا و هوس نیست، بلکه فقط مؤثر را می خواهد، به طوری که اگر بداند او در قضای حاجت دارای تاثیر نیست، هرگز به بتخانه نمی نگردد؛ پس بر حسب فطرت زیستن، خود سلامت دل و جان و قلب است. لذا امام علیه السلام سلامت قلب را در یاد خدا دیده و در فراغ و آسایش تن رو به شکر آوری دارد و مسلم اگر دل با خدا بود و تن فرو رفته در شکر، هرگز زبان خالی از ذکر و تهی از ورد با خالق نخواهد بود؛ زیرا همیشه زبان آن چنان چرخد که دل بر آن حسب است.

## سلامت دل با یاد خدا؛ ذکر چیست و ذاکر کیست؟

**پاسخ:**

أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ (رعد ۲۸)

امام علی (ع) فرمود: خوشا کسی که جزء از یاد خدا لب فرو بندد (غررالحکم ۵۹۳۶-۱۶۷۲) یاد خدا مایه طرد شیطان است. یاد خدا دلها را آرامش می دهد. یاد خدا از در هم و دنیا برای انسان بهتر است. یاد خدا سعادت انسان در دنیا و آخرت است.

**ارزش یاد خدا:**

ارزش یاد خدا در اینست که انسان را از خواهشهای نفسانی باز می دارد. شهوتها را با آب توبه فرو می نشاند و ظرفهای نادانی را با آب زلال زندگی می شوید. یاد خدا رستگاری و مصونیت از بلاها و آفتهای دنیایی است. یاد خدا روشنائی خردها و صیقل دهنده سینه هاست. قرآن بزرگترین ذکر است "علیک بتلاوة القرآن و ذکر الله کثیرا" (البحار ۳۴/۷۷) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله یاد کننده خدا در میان غافلان، مانند کسی است که از فراریان جنگ دفاع نماید؛ یاد کننده خدا در میان غافلان، چون چراغی در خانه تاریک است؛ یاد کننده خدا در میان غافلان، مانند درخت سبزی است در میان درختانی که برگشان ریخته است؛ خداوند، جایگاه یاد کننده خدا در میان غافلان را، در بهشت به او معرفی می کند؛ خداوند، به عدد هر شخص فصیح و گنگ، از گناهان یاد کننده خدا در میان غافلان می بخشد. (منبع - نهج الفصاحه)

**ارزش یاد خدا با قرانت قرآن :**

قرآن نور است و به سبب قرانت آن، نوری بر دلها می تابد. قرآن انسان را از جهل و نادانی و در نتیجه غضب الهی نجات می دهد در صورتیکه بخوانی و عمل کنی. اگر می خواهی خاص ترین بنده خدای تعالی باشی خدا را فراوان یاد کن تا از تلنگرهای شیاطین دور مانی. کمترین حد ذکر سی و سه بار تسبیح گفتن در تعقیب هر نماز است. در حدیث قدسی آمده است: هر گاه به دل بنده ای سر زخم و ببینم که یاد من بر آن چیره گشته است، اداره و تربیت او را خود به عهده گیرم و همنشین و همسخن و همدم او شوم (البحار ۴۲/۱۶۲/۹۳)

**در چه مکانی باید یاد خدا بود؟**

**پاسخ:**

- ۱- هنگام رویا رویی با دشمن
- ۲- هنگام ورود به بازارها
- ۳- هنگام غم، داوری و تقسیم
- ۴- هنگام خشم
- ۵- در تنهایی و هنگام لذتها

آثار روی گرداندن از یاد خدا چیست؟

پاسخ:

روی گرداندن از یاد خدا، مسلط شدن شیاطین انس و جن بر انسان! امان از آن هنگام که شیاطین مسلط شوند؛ و این یعنی نابودی و هلاکت انسان، ولی در آن هنگام انسان بی خرد می اندیشد که رهیافته است؛ ولی نمی داند و بینش ندارد که بفهمد خداوند بر دلش مهر زده و چشم بصیرتش را کور نموده و همدمش را شیاطین قرار داده است و در اینحال قدرت روبرو شدن با حقایق را ندارد پس ناتوان می ماند و حق را که فطرتاً به آن گرایش دارد بر باطل که شیطان بسوی آن فرا می خواندش منطبق می کند و فکر می کند که رهیافته است و با آن که بر باطل است خیال می کند که برحق است. (تفسیر المیزان ۱۰۲/۱۸)

**اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاجْعَلْنَا مِنْ دُعَايِكَ الدَّاعِينَ إِلَيْكَ، وَ هِدَايِكَ الدَّالِّينَ عَلَيْكَ، وَ مِنْ خَاصَّتِكَ الْخَاصِّينَ لَدَيْكَ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ (فرازنهم)**

خدایا، بر محمد و خاندانش دورد فرست و ما را از کسانی قرار ده که [مردم را] به سوی تو فرا می خوانند، و آنان را به راه تو رهبری می کنند، و ما را از ویژه ترین بندگان ویژه ی درگاه خود گردان، ای مهربان ترین مهربانان

معنای هدایت چیست؟

پاسخ:

هدایت "از ریشه "هدأ" و در لغت به معنای سکون،"

(لغتنامه فراهیدی- العین)

و نیز بمعنای توقف از حرکت، سکونت و خواب در شب، ساکت نمودن بچه و خواباندن آن

معنای هدایت:

### تعریف هدایت

برای تبیین و توضیح هر موضوع، نیاز به تعریف و یا تعاریف متصور از آن مسأله و موضوع هست، بنابراین قبل از ورود به بحث، به تعریف و یا تعاریفی که از «هدایت» مطرح می باشد می پردازیم:

معمول ترین تعریف از هدایت عبارت است از این که: هدایت یعنی ارائه راه و روش و نشان دادن آن، به منظور رسانیدن فرد یا افرادی به مقصد و هدف است. به عبارت دیگر، راهنمایی و کمک کردن به فرد یا اشخاص برای شناختن راه و

روشن ترین معنای هدایت «راهنمایی» است و شایع ترین کلمه مقابل هدایت «ضلالت» و گمراهی است. شناخت راه درست و صحیح «صواب» از میان راه های مختلف، به وسیله بهره گیری از خرد و عقل خود و دیگران و تعالیم انبیاء و ائمه معصومین (ع) وظیفه و تکلیفی سخت و مشکل و طاقت فرساست که هر کسی موفق به آن نخواهد بود.

اقسام هدایت:

هدایت اقسام گوناگون دارد: گاهی تکوینی است در امر صورت می گیرد مانند "القی فی الارض رواسی أن تمید بکم و انهارا وسبلا. لعلکم تهتدون...." (سوره نحل ۱۵) گاهی تکوینی و تشریحی است و در امر معنوی تحقق پیدا می کند جعلناهم ائمه یهدون بأمرنا- (انبیاء ایه ۷۳)

" انا هدیناه السبیل إِمَّا شَاكِرًا وِ إِمَّا كَفُورًا (انسان ۳)

امام صادق(ع) : وقتی عبودیت ، نبوت ، رسالت ، خلیل حق تعالی بودن در ابراهیم(ع) جمع شد خداوند به او فرمود: تو را امام برای مردم قرار دادم . چون مقام امامت در نزد ابراهیم بزرگ آمد گفت: آیا از ذریه من نیز کسی به این مقام می رسد . قال لا ینال عهدی الظالمین-

**هدایت عمومی خداوند بر چه پایه است؟**

**پاسخ:**

"أنا هدیناه السبیل اما شاکرا و اما کفورا" (انسان ۳)

ما راه خیر و شر را به او نشان دادیم. خداوند راه را به انسان نشان داد یا آنرا رها می کند که نتیجه ناسپاسی او در برابر نعمت هدایت است و یا راه هدایت را در پیش می گیرد که سپاسگزاری در برابر نعمت است.

امام علی(ع) فرمودند: به راه پیامبرتان اقتدا کنید که آن برترین راه است و از روش و سنت او پیروی کنید که آن راهنماترین روش و سنت است. (میزان الحکمة- باب ذکر)

امیرالمؤمنین علی(ع) فرمود: خداوند جلّ جلاله فرمود: ای بندگان من، همه شما گمراهید، مگر کسی که من هدایتش کنم و همه شما نیازمندید مگر کسی که من توانگرش سازم و همه شما گنهکارید مگر کسی که من او را از گناه نگهدارم (همان)

**خداوند چه کسانی را هدایت نمی کند؟**

**پاسخ:**

خداوند کسانی را که هدایت الهی را نپذیرند گمراه می سازد.

**خداوند بر چه کسانی خشم می گیرد؟**

**پاسخ:**

خداوند بر کسانی خشم می گیرد که خشنودی او را نپذیرند.

**برترین هدایت چیست؟**

**پاسخ:**

حضرت علی(ع) فرمود: هر که از خدا راهنمایی بخواهد و سخن او را راهنما قرار دهد خداوند او را به آنچه درست تر است رهنمون شود و توفیق راه راست را به او عنایت فرماید و استوارش بدارد و برای پاداش نیکوتر آماده کند.

**هدایت تکوینی و عامه:**

**پاسخ:**

خداوند بوسیله عقل و فهم و فکر و وجدان و غرائز که در وجود انسان و حیوانات نهاده آنها را به راههای زندگی و تدبیر و اداره امور خویش هدایت و رهبری فرموده است ولی انسان گذشته در مسیر زندگی به راههای خوب و بد ، عدل و ظلم و آزار و غیره نیز تکویناً هدایت شده است.

هدایت تکوینی در برابر هدایت تشریحی است. هدایت تکوینی این است که همه موجودات عالم تحت نظام حساب شده ای که از طرف خدا مدون و معین شده، پیش می روند.

قرآن می فرماید: پروردگار ما همان است که همه چیز را آفرید و سپس آن را هدایت کرد. (طه ۵۰)

مقصود از هدایت تکوینی رهبری موجودات به وسیله پروردگار زیر پوشش نظام آفرینش و قانونمندی های حساب شده جهان هستی است. این نوع هدایت را می توان هدایت عام نامید، چون عموم موجودات را شامل می شود. (ادانشنامه قرآن)- بنابراین هدایت تکوینی با هدایت عامه فرقی ندارند.

### هدایت تشریحی و خاصه چیست؟

پاسخ:

هدایت تشریحی همان هدایت فطری در گرایش به دین و قرآن و دستور پذیری انسان از نبی و پیشوایش است. هدایت تشریحی همان طریقی است که بوسیله انبیاء نسبت به بشر انجام گرفته است و شامل افراد با ایمان (خاص) می شود.

وَمَا تَمُودُ فَهَدِينَاهُمْ فَأَسْتَحِبُّوا الْعَمَى عَلَى الْهُدَى (فصلت ۱۷) قوم تمود کوری در مسیر را بر نجات و هدایت بر سبیل الهی ترجیح داد پس صاعقه در گرفت و آنها را نابود ساخت. آنها با وجود پیامبری چون صالح می توانستند هدایت شوند ولی باطل گرای آنها را کور کرد و لگد به بخت خود زدند.

هدایت یکی از فیوضات الهی است که هر لحظه یا آن، بواسطه علل گوناگون و آنچه که از نفس گریز پا سر می زند، قابل قطع است و ادامه آن بسته به افاضه خدا است؛ نظیر روشن بودن لامپ که محتاج به ادامه جریان برق است و هر آن که جریان برق قطع شود روشن شدن لامپ امکان ندارد. لذا طلب هدایت از خدا هر آن و برای هر کس لازم است چون در هر لحظه که خدا دست باز دارد، هدایت قطع شده و شخص در ضلالت خواهد افتاد و کفر و ظلم و فسق و خیانت راهی است برخلاف حق و در آن هدایت نیست بلکه ضلالت و شقاوت است.

### تعریف بندگان شرور و دوری از آنان .....!

۱- جابر عبدالله انصاری می گوید: رسول خدا (ص) فرمودند: بدترین مردم در قیامت آنانند که از ترس بدی و شرشان اکرام و احترام شوند. (اصول کافی/ ۲۶۲۴)

۲- امام صادق از قول رسول خدا (ص) فرمود: آفت حسب و شرافت بخود بالیدن و خودبینی است. (همان/ ۲۶۲۰)

۳- امام صادق (ع) فرمود: برای مؤمن سزاوار نیست که در مجلسی بنشیند که خداوند در آن مجلس نافرمانی شود آن مؤمن قدرت بر هم زدن آن مجلس را نداشته باشد. (اصول کافی/ ۲۰۱۴)

۴- امام صادق (ع) فرمود: با اهل بدعت رفاقت و هم نشینی نکنید تا نزد مردم چون یکی از آنها محسوب شوید. رسول خدا (ص) فرمودند: انسان بر کیش دوست و رفیق خود است.

در روایت دیگر از قول پیامبر گرامی (ص) اینست که: هر گاه پس از من اهل ریب و بدعت را دیدید بیزاری خود را آشکار کنید و بسیار به آنها دشنام دهید، و آنها را با برهان و دلیل خفه نمائید که نتوانند در دل مردم شبهه ایجاد کنند و نتوانند به فساد در اسلام طمع کنند و در نتیجه مردم را از آنها دورنمایید تا بدعتهای آنها را یاد نگیرند و خداوند در برابر اینکار برای شما حسنات بنویسد و درجات شما را در آخرت بالا برد. (اصول کافی/ ۲۸۱۵)

### مقصود از اهل ریب و شک کیست؟

پاسخ:

مجلسی(ره) گوید: "اهل ریب آنهایی هستند که در دین شک می کنند و مردم را با القاء شبهات بشبهه اندازند، و گفته شد: که مقصود کسانی هستند که پایه دین آنها بر گمان و اوهام فاسده بنا شده مانند علمای اهل خلاف؛ سپس کلام مصباح اللغة را در معنای بدعت ذکر کرده و پس از آن فرماید: بدعت در عرف شرع به آن چیزی گویند که پس از رسول خدا (ص) پدیدار گشته و در باره خصوص آن نصی نرسیده و داخل در تحت دستورات عمومی هم نباشد یا بطور خصوص یا عموم از آن نهی شده، پس آنچه در عموماًت (واجبات و مستحبات) داخل است بدعت شامل آن نگردد مانند ساختن مدارس و امثالش که داخل در عموماًت (مستحبه) سکنا دادن بمؤمن و کمک کردن به آنهاست و مانند تألیف کتابهای علمی که داخل در کمک به علوم شرعیه است. و یا مانند (پوشیدن یا دوختن) جامه ها و یا خوردن غذاهایی که در زمان رسول خدا (ص) نبوده که داخل در عموماًت حلیت (زینت و اکل) است و نهی در باره آنها نرسیده و آنچه داخل در این گونه عموماًت است تا بدان خصوصیتی ندهند بدعت نیست، وگرنه اگر بصورت خاصی انجام دهند که دلیل و نصی نداشته باشد بدعت گردد. مانند اینکه نماز بهترین موضوع است و در هر وقت و زمان انجام آن مستحب است اما اگر همین نماز را در وقت مخصوص و مکان مخصوص و رکعات مخصوصی بدون دلیل و نصی بجا آورد بدعت گردد. (عمر دستور داد نماز مستحبی شبهای رمضان را به جماعت بخوانند- یا نماز قصر را دستور به کامل داد- یا متعه حج را برداشت- یا سه طلاق در یک مجلس را دستور داد- یا الصلاةخیر من النوم را جای "حی علی خیر العمل" در اذان قرار داد و چندین بدعت دیگر...)

حضرت رسول(ص) فرمودند: {هر بدعتی گمراهی است و هر گمراهی راهش بدوزخ است،} پس آنچه عمر کرد از بدعتهای محرمه است. زیرا پیغمبر(ص) از جماعت در نافلة نهی فرمود بود پس این تقسیم، آنان را نفع نبخشید. "والسلام

حضرت صادق(ع) فرمود: برای مسلمان سزاوار نیست که با فاجر (هرزه، تباهاکار، نافرمان، و نه با احمق و نه با دروغگو رفاقت کند.

والسلام علی من اتبع الهدی

## منابع:

- ۱- تفسیر المیزان - علامه طباطبایی
- ۲- میزان الحکمة- ری شهری
- ۳- اصول کافی ۴ جلدی ترجمه - کلینی
- ۴- بحار الانوار علامه مجلسی
- ۵- مفردات راغب اصفهانی



- ۶- قاموس قرآن – علی اکبر قریشی
- ۷- ثواب الاعمال و عقاب الاعمال-شیخ صدوق(ره)
- ۸- عیون الاخبار الرضا- شیخ صدوق(ره)
- ۹- غررالحکم- ری شهری
- ۱۰- نهج البلاغه – سید رضی(ره)
- ۱۱- شگفتیهای عالم حیوانات و پرندگان و حشرات- مهدی احمدی
- ۱۲- پایگاه اینترنتی حوزه
- ۱۳- دانشنامه قران- بهاءالدین خرمشاهی